

کرمان

ارفرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند کمال است
 و انتظام در امور آن ولایت حاصل است و مالی در عیال
 اسوده خاطر هر کس بکار خود و دعا کونی ذات است
 ایام شاهای خلد الله ملک و سلطان استخار
 و مقرب الخاقان میر الامرالاعظم سپهدار حکمران کرمان
 در نظم و ولایت و حصول مویجات سود کی عیت و رسیدگی
 بعضی و داد رعایا و انجام خدمات دیوانی
 کافی بعل می آورد و عالیجا مقرب الخاقان میرزا محمد
 دیوان و پیشکار کرمان حسب حکم و رسیدگی محاسب
 و معاملات و داد دیوانی و نظم امور ملیه و بلوکات
 مشغول و نهایت سود کی از برای رعایا حاصل است
 چنانچه قاعده برات در بلویات بلوکات و سالی
 امیر الامرالاعظم سپهدار موقوف و متروک کرده
 و امسال مطلقا بر آه دایمیچیک از بلوکات زرفه و
 جمیع موجب در مردم نو کران در شهر میدهند و رعایا
 زیاده از این معنی راضی و شاکر و دعا گوئی دولت قوی
 مکنند میباشند
 دیگر نوشته اند که با سال چون خشک سالی در کرمان
 و بعضی از محصولات رود آب از خالصه و اربابی نابود
 شد و امسال نیز از اول میزان تا این اوقات نزول
 شده بود مردم زیاده تشویش داشتند ولی این
 الهی در معتم هشتم جدی نزول رحمت کامل شده و
 شبانه روز بارندگی خوب کرده برف و باران زیاد
 اند بطوریکه اهل زراعت کمال امیدواری بآمد محصول

بهم رسانده رفیع تشویش مردم شد

عالیجا مقرب الخاقان جعفر قلیخان میر سنجکه با افواج
 توپخانه و ابوالسججی از دربارهای یون روانه سمت کرمان
 شده بود با سنجک وارد کرد و از جانب حکمران کرمان کمال
 توقیر و احترام در باره او و صاحبان و مسلمان قشون
 و نوازش با جاد و افروز نظام و سواره بعل آمده است
 و تدارک قشون مأمور که از دیوان اعلی بکران حواله شده
 و چند روز توقف آنها بعد با جاد و افروز رسانده و
 اسباب بلایه توپخانه را وید و از آنجا قشون مأمور با نظم
 و سکو و آراستگی نسبت جبرفت حرکت کرده اند تا
 بمقتضای وقت عمل نمایند

و نیز قشونی که در آنجا بوده اند عالیجا محسن خان سر
 مبارکه با ده عراده توپ و عجا که بعد شصت بار فور خارج
 و دویم کرمانی ابوالسججی عالیجا میرزا گوچک خان سر منگ اب
 در کرمان بودند سان داده و تدارک و دیده سر راه مقرب
 جعفر قلیخان میر سنجکه نسبت جبرفت فرستند و عالیجا مقرب
 مامعلی خان سر قریب نیز با فوج اول و ابوالسججی مأمور
 زمانه شیره گردید که در آنجا استعدا و خوراک کامل نموده اگر لازم
 شود با ردوی مقرب الخاقان میر سنجکه و جبرفت ملحق گرد
 و الان بنظم امور بلوچستان آن اصیحات پردازد

در این اوقات شی دین محمد خان حاکم کرمان وفات
 یافته بود امیر الامرالاعظم سپهدار از جانب دولت
 علیه شی عبدالقادر اسپر اورا بجای پدرش ب حکومت کرمان
 منصوب نموده و او را مخلص و دلجوئی و نوازش نمود
 در محل حکومتش استقلال داده است

۲۰۵۶

اجتبار دول خارجی

از قمار یک از دولت اسپانول نوشته اند درین سال
 مملکت اسپانول غله و آذوقه بسیار گران است اگر چه
 از آذوقه که از خارج با نولایت میرود رسم کم کرد
 شده و علاوه بر آن بجاری که از خارج با نجا آذوقه
 میرند از جانب دولت اسپانول امتیازات داده شده
 ولی چون بازنشستگان محلی در آن ولایت بود درین وقت
 از جانب دولت اسپانول بعضی مجال فرستاده بودند
 دولت هزار تومان وجه بانامورین فرستاده شده است
 که غله بجهت اسپانول امتیاع شود

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است ارباب
 تجار شکوکات نقره زیاد از فرنگستان بند چین
 بجهت اینکه نفع زیاد برای آنها میکند در این اوقات هم
 پوسته خانه انگلیس از راه اسکندریه بند میرود بقدت
 سصد هزار تومان پول نقره بند فرود

موجب اجباری که در این اوقات از سواحل چین سیده
 در بند سم غنیمتس درجه شمالی چین زلزله بغایت شد
 وقوع یافته است تا دو دقیقه بوده و تنها در مملکت
 این زلزله و آذوقه بزرگس تلف شده اند و سواهی این
 پیکر که پای تخت چین است کارخانها و عمارات کلا خراب
 شده حتی عمارات خاقان چین هم خراب شده و بسیاری
 نفوس تلف گردیده اند و بعد دولت چین نیز مجروح
 گردیده و فوت شده است

در پاریس کارخانهای مشهور روزنامه کارخانه
 که معتبرین کارخانهای روزنامه است صاحب کارخانه

مربوران کارخانه با آلات و اسباب موجوده در
 روزنامه بعضی بیع در آورده و صفت و شصت هزار تومان
 فروخته است و اگر کارخانه نوروزی شصت و هزار تومان
 بیرون می آید که هر روزنامه بیک عباسی پول اینولایت
 فروخته شود

از کشتیهای تجاری روسته فرستاده چند وقت پیش ازین
 از نکرگاه حور کشتی لیمونه نام بهمت یکی دنیا حرکت
 کرده صدوسی نفر سباج و بعضی اشیا حمل نموده در قلم
 ربع الاول از یکی دنیا حرکت کرده در روت دوم در
 راه شبانه یک کشتی شراع دار بر جوره اگر چه کشتی نوروزی بطوری
 بودند که عبارت از پنج پاچه بود و اگر بطرف خراب میشد بطرف دیگر

مغیر می رسید و لکن بطوری آن کشتی خورده و خراب شد که آن تاجر
 نکرده در چند ساعت غرق گردید و بجهت نگرانی اشخاصی که در میان
 آن بودند خود را بزور قی انداخته و مابقی با صحن زور قی دیگر
 نموده و با وسوار شد بود درین بین یک کشتی تجاری یکی دنیا با شصت
 از شدت برودت هواد و نقره آینه پنج بسته و سایر آذوقه نقره بیک

بسیکی دنیا رسیدند از جانب جمهوری بیکی دنیا چند قطعه کشتی
 نجا بجهت تحقیق احوال سایرین با نجا و شصت بسته است

دیگر نوشته اند که در اوایل ربع الثانی در ماسیلیا طوفان
 شدیدی ظهور یافت از کشتیهای که لنگر انداخته و در آنجا بودند
 کشتی شکسته غرق شد است کشتی پوسته فرست که از لنگرگاه
 سبت اسپانول حرکت کرده بود چند میل که در راه آمده بود
 گرفتار گردید و باد شده چند نفر از کسانی که در او نوشته بود غرق
 و مابقی هر طور که بوده است معاودت کرده خود را بنگرگاه رسانیدند
 بودند و همین طوفانی از پیش ازین سال قبل ازین تا کنون در آنجا وقوع یافته

بودند و همین طوفانی از پیش ازین سال قبل ازین تا کنون در آنجا وقوع یافته

۲۰۵۷

سابقه در فرانس که از باب منبر نویی نام در ضمن تحقیقات
 حواسش در بعضی مجال و نه معادنی پیدا کرده بود که فلان
 از نقره چندان فرقی داشته چون بجهت کد اخذ آن جنبی اجزا
 میشد و عیارش نیز از نقره کمتر بود لهذا صرف نظر از کار کردن
 آن نموده همان حالت باقی گذاشته بود در این اوقات چون
 اجزای مصارف که اخذ قیمتش متزلزل کرد است باز سر
 بکار کردن معادن منور نموده اند و حاصل آن جنبی طرف
 اوانی بکار میرود و مثالی مشابهی پول این ولایت همینست
 میبود و احتمال تسبیحی مس که زده رواج پیدا

در این اوقات در فرانس یکی از باب ثروت و ثمن
 صد هزار تومان طلای نقد بجان گذاشته و اعلان کرده است
 هر کس صد هزار تومان در یکجا ندیده است و بخواهد تماشا
 بآنجایی بد و صد و بیار بر بد و تماشا نماید اشخاص زیاد
 صد هزار تومان در یکجا ندیده بودند برای تماشا با هم
 آورنده صاحب خواه بسبب از دام حلق چند نفر ذوال
 مستحفظ در سپر پول گذاشته است نوشته اند که این
 نمیکرد که بقدر صد هزار تومان از پول نقری صد و بیار
 برای اوجم خواهد شد

در مالک فرانسه قانون است که بعضی از خدمتکاران که
 با قایمان خود از روی صدقت عینی خدمت میکنند و اقل
 آنها خدمت و صدقت آنها را تصدیق می کنند از جانب
 با آنها نشان سپار داده میشود در این اوقات یکی با قای خود صد
 غریبی کرده که بعد از قوتش حدس ظاهر شده و اگر در جانش
 خدمت از او معلوم شد مستوجب اعلی درجه این نشان تیار شده
 تفصیلات این است که از کسانی که سابقا در لومباردیا که از

خاک استریه است با عفت افشاش شده پس از استیصال بدو
 دیگر التجا برده بودند یکی از اصل او کان آنها بفرقه هر دو
 صرف کرده و فقیر و پیران بودند و اینها که در ولایت صاحب
 کنت بود هر قدر خرجی داشته عیاشی نموده و زنده بود با چاک
 خود را بگوشت بود درین بین روزی سه مردی از نوکری پسر زاده
 آمده و وجه معتد بهی آورده و گفته بود که این چه اعیان شماست
 و من استعجبم که در عهد خود نگاه میدارید از این پول را گرفته و از
 اینکه پیران و قوه دست نذارید خود بود بعد از چند مدتی یکبار
 آمد و مجدداً تحویل آورد و بود که این اعیان شماست و حواله کرده اند

که در اینجا پیران بقدر توان از شخصی که شمارشان زیاد
 در خدمت او الحاح کرده بود را لیه نیز نظر با صراحت او را نگاه
 بسنج ما میانه را پیران تسلیم قای خود میکرد تا اینکه فوت
 او دیده نوشته که این جو را از این جو با قارده خود داده ام
 شما اصلاً احوال شما را نمیدانید و بعد از فوت من هم بعد از آن
 اموال را بملک من تعلق با قارده ام و در این ممدت از این
 پیران حسیب آستانه و در روزها نوشته اند

در فرنگستان قانون است که یک ناموری که تا پنجاه سال
 ماموریت و خدمت بسر برده با از اطراف مالی و اعیان
 سخته او ضایقات مرتب میدهند و بعد پادشاه برود
 از وقت داخل شدنش در نظام عسکریه تا کنون مدت
 پنجاه سال تمام است لهذا در واسطه قانون اول در
 پای تخت بروسیه نوشته اند که بجهت او اجرای بعضی
 شلگها شد ضایقات مرتب خواهند داد

۲۰۵۸

روزنامه فایز انفاقیه تاریخ پوچم ششم شهریور سال ۱۲۷۳



اخبار و جنگ ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
خلد القدره و سلطان زین العابدین زیارت بقعه تبر که امامزاده
واجب التظیم حضرت شاهزاده عبده العظیم فرموده سوار
و بعد از زیارت بقعه تبر که تا حوالی عصر بکشت و بقیع آن
اطراف مشغول بوده نزدیک غروب آفتاب بآیه
مبارک سلطانی حجت فرمودند

تنها بضمون کاند جناب فضایل و کلمات کتبت عن العلماء
زین الفضلاء الکرام محمد الزمان حاج میرزا محمد و محمد باقر
جماعت دار اختلاف تبریز که بعد از آنکه از حدیث صحیح
نمست که تعالی شود و مضمون آن ازین قرار است که قلمی میگردد
مضمون کاند جناب فضایل و کلمات کتبت عن العلماء
شیخ الاسلام دار اختلاف تبریز هم نزدیک همین مضامین
عرض میشود رفتار قشون کلکس در خلیج فارس و

چنانکه در روزنامه فایز قبل بجهت نقل شده است
چون از جانب دولت کلکس و متصرفان قشون
انها بوشهر را در نظر داشت دولت علیه ایران بسیار متوجه
آمده و غیرت و عصبیت کل اهل ملت را از عالم عامی و
شرفی مخمک شده است این روزها فوجت زناد
از عموم علمای اعلام و روحانیین اسلام و اعیان و اشراف ممالک
ایران حدت اولیای است ابد علیهم السلام که هر بطوری که
زبانها غیرت و عصبیت و شوق بر جهاد در راه دین بود
ذکر مضامین همه آنها درین روزنامه بوضع تفصیل از جهت

بسیجا با حمله آوردن و تصرف نمودن آنها بوشهر بندر دولت علیه
اسلام را که شتر این خادم شریعت غر او داعی دوام دولت
حیف بیضا و سایر علمای اعلام و مومانی این مملکت گردید
اخبار متواتره که درین باب رسید استخوان کامل حاصل
از آنجا که برای این دعاگوی بی ریب و ریا و خادم شریعت
سوی ترویج شرایع دین پس احمدی و ای رسوم طلب منفعت
محمدی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است
بنوده و بت از استماع چنین حادیه غیر مرقبه که در نزد
شریعت طاهره بی شوار و ناگوار است قریب فکرت و جرات

۲۰۵۹

ولا یرتکلف واجب حضرت خداوندی حق سلطان و عظم بان
 دولت که درین مقدمه آنچه بر عهد این داعی بی ریا و خادم
 علاء کرفت بی تاثر بتقدیم سازند نهاد در مجمع عام و بلده کرده
 که جمعی کثیر و اجامی عظیم در مسجد بزرگ اراک اسلام اجتماع
 داشتند بفرقه آنچه شاید بویید مختصراً مجلس القاد و الظهار کردیم
 نامس را از تکالیف لازم الهیه و امام واجب علیه الطلاع و آگاهی
 امروز که ملت خارج هجوم حمله بر ملک اسلام آورده اند بکلیف تنزیل
 و احکام حضرت رسول واجب لتجیل بر عموم مسلمانان واجب است
 بجان و مال در تمام جهاد و دفاع باشند و دین خود را حفظ
 نمایند از تقزیرات دعا گو که از روی ایات کلام مجید بزرگانی
 وارد و از حضرت سالت پناهی و ابلت عصمت و طهارت سلام
 علیه جمیع در حفظ برضه اسلام و پاس حقوق دولت اسلام
 بیان می نمود بجهدی مردم همچنان کردند و برترم و راندند و خون
 و سلمانی در عروق و شریان شان چسبیدن گرفت که همگی بی
 لریه و زاری نمودند و بهمان طور که در شریعت ظاهر وارد است
 جمیعاً با جان و مال خودن همیای دفاع و جهاد کردند که اگر
 جانب کسی از جانب اولیای دولت علیه اذن و اجازت حاصل
 کرد و الهی تبریر از خواص دعوا و اخاصی دادانی با جان و مال
 در راه دین و دولت و زمینها و ملک خود و حقوق الغایه کوشش
 و جانفشانی می نمایند تبریر که سهل است تمام مملکت از با بجان
 حالت هستند و با عقل مستعد میا که هر وقت اقتضا کند
 شری خود را بعل آورند و خونهای خودشان را در حفظ دین خود
 بسوق هر چه تمامتر بریزند و اگر بکشند یا خود کشته شوند فی القدر
 درجات عدن خداوندی مالک دولت ابدی و صاحب نعمت
 سردی شوند و همراهم دین داری و جان نثاری را مصلحت ندارند

بدین است که هر که تعصب غیرت اهل اسلام تا بعین شریعت
 حضرت خیر الانام علیه اسلام قبول این معنی نخواهند نمود و این
 خارج دیگر بجان و مال و اهل و عیال مسلمانان و توجیه دولت
 استیلا کنند و دین این حق اسلام خدا کرده العیاذ بالله
 با ضحالی که از او این دعا گو و الهی این ولایت علی الاتصال
 جهاد اشتغال دارند و بنده علمای ولایاتند از با بجان و مال
 و فیوید که آنجا نیز طالب دولت جاوید شهادت می
 باشند و دقیقه غفلت ننمایند چون عالیجا و محبت سراسر
 سر تک پاپاری محبت مبین و عیالته بدین مختصر حجت از کرد
 که مترصد است که هر طور امر و مقرر شود از انفراد معمول کرده
 این دعا گو را صد هزار جان بپوشی که هر یک را در راه
 حق نثاری نمودی

سایر نوشجات علمای اعلام کرام الله تعالی اشان هم یکی نزد
 بضاین آن است و اسامی بر یک از مالک محروسه که علمای
 اشجا کا عهد ما نوشته اند علی الاجال از اینقرار است

علمای اعلام و فضیله ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و
 اشراف و الهی استر اباد
 از تارندران

جناب عمده العلماء حاجی ملا
 جناب عمده العلماء حاجی ملا محمد
 عبدالمجید سلمه الله
 آتش فی سلمه الله

جناب عمده العلماء حاجی میرزا محمد
 جناب سرابع و دقایق باب
 محمد زید فضل
 محمد حسین مجتهد زید فضل

شیخ المشایخ شیخ نصر الله
 سایر علماء و الهی و اعیان
 تارندران

علمای اعلام و فضیله ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و
 اشراف و الهی دار السلطنه اصفهان

۲۰۶۰

علمای اعلام و فضلی دوی العز و الاحرام دارالامان
کران که از فرار عریضه امیر الامراء العظام سیدارخواست بود
سبقت بدفاع و جفا و نمایند و مشارالیه مانع شده بود تمام
از اولیای دولت علیه

جناب عمده المجتهدین آقا سید جناب عمده العالی و زید فضل
جواد مجتهد کرمان زید فضل حاجی محمد کریم خان زید فضل

علمای دوی الاحرام کبلان که تفصیل آن درین روزنامه
نوشته شده است

جناب عمده المجتهدین حاجی جناب عمده المجتهدین حاجی طاهر
طارف زید فضل صادق زید فضل

علمای اعلام و فضلی دوی العز و الاحرام و سایر اعیان و اولاد
دار استظنه قزوین

از قلم و عرق

جناب سید محمد حاجی سید باقر جناب فیاض باب القاسم زید فضل
مجتهد سید القاسم

جناب محمد آقا سید باقر جناب آخوند محمد میر داماد
دامت افادته

سایر علما و اعیان و امالی اولاد
علمای دوی العز و الاحرام سایر دوله و سلطانه سایر اعیان و اولاد

از کلام کان

جناب عمده العالی آخوند طاهر جناب سراج حاجی میرزا محمد
زین العابدین مجتهد زید فضل مجتهد زید فضل

زید فضل آقا سید حسن سایر علما و اعیان و امالی کلبان
امام محمد

از کلام کان

عمده العالی آخوند طاهر عمده العالی آخوند طاهر سید باقر
زید فضل زید فضل

زید فضل آقا سید حسن سایر علما و اعیان و امالی کربلا
محمد

سایر علمای اعلام و فضلی عظام و امالی و اعیان و اسراف
سایر ولایات محروسه ایران

که بجهت استحضار علما که کسند کان روزنامه علمی شود بطوریکه

و حاصل ملت یکدل و یکجبهت در راه جفا و اید است
جانب سنی بجوانب قدس تا یون و اشاره از طرف فرین
اولیای دولت روز افزون با آنها بشود البته هر یک با کرده کرده
فرق مسلمین نقد جان در کف بر که قتال و جهاد حاضر شده

خواهند کرد و این معنی را مایه شرف و سعادت این و دنیای
خواهند دانست

سابقا خبر ما توبت عالیجاه محبت سیراه کولون شدند لاکر و چند نفر
صاحب مضبان و اتباع دیگر از جانب اعلیحضرت امیر المومنین

منا و غریب ایشان سخاک دولت اید علیه توسط عالیجاه امیر
میرزا ابراهیم خان کارپرداز اول و مخصوص این دست مقیم دارالسلام

عرض اولیای دولت علیه سید چون عالیجاه مشارالیه اخبار کرده
بود که ایشان حاضر مامور دولت علامه از جانب اعلیحضرت برای

اعلیحضرت قدس تا یون سافشاهی خلد الله ملک و سلطانه علیا
اولیای دولت علیه نیز ملاحظه توفیر و احترام نامه آن اعلیحضرت

بنو اب مستطاب شایسته و الالباب عباد الله و له حکم ان کرمان
نوشته که در فرستادن آدم باستانی لبر قد عراقین عرب و عجم

و پذیرفتن ایشان در اول خاک این دولت علیه و غایب نمودم
توفیر و پذیرانی تا هر جا که در زیر اداره نواب معزی الیه باضا

نمایند و همچنین با حکام و کارگزاران دیوانی عرض راه اعلی در
نیز از همین قرار حکم از جانب اولیای دولت علیه صادر گشت و

حسب الامر در همه جا از فرار حکم دولت در باره مامورین
رفتار شد روز چهارشنبه عرّه شهر جادی الاخری نیز که روز

ورد ایشان بر بار دولت اید قرار بود ملاحظه موالات و مصافحات
حاصد بین اعدا و تبیین و توفیر نامه مودت خاتم اعلیحضرت سیرا

دولت استرید قرار استقبالی برای مامورین از دولت
خواهند دانست

خواهند دانست

۲۰۶۱

وز جانب دولت علیه عالیجاہ مقرب الخاقان محمود خان میرنج
 با اجزای متن سبب ارکشیکی از مایون و کلانتری شهر و اسباب
 و سواری از اصطلح خاصه بادشاهی و از طرف جناب اشرف احمد
 ارفع صدر اعظم محترم عالیجاہ مقرب الخاقان محمود خان میر
 و عالیجاہ محمد مستر ارفع سراجی خان مسترحم و اجودان مخصوص صدر
 اعظمی و از وزارت خارجہ عالیجاہ مقرب الخاقان محمود خان میر
 نایب دویم وزارت خارجہ و عالیجاہ عزت و عجب شاه داود
 سرتیپ مسترحم اول دولت علیه تانیم و نجی شهر استقبال نمود
 و ادای سایر لوازم پذیرائی و مهربانی را نسبت بمأمورین آندو
 بعمل آوردند و تا منزل که در یکی از باغات دولتی متعین شدند
 ایشان را همراهی نمودند و در یکشنبه پنجم ماه بیدین جناب
 امجد ارفع صدر اعظم محترم آمدند و از جانب جناب صدر اعظم
 رافت و احترام نسبت بایشان مبذول شد و از آنجا بیدین جناب
 فحاشت نصاب نظام الملک و بعد بجا قاجار جناب فحاشت تاج وزیر
 فحاش آمدند و لازمه مودت و مهربانی از ایشان هم در حق مأمورین
 مشارالیه عمل آمد روز سه شنبه پنجم ماه بحضور رحمت ظهور سرکار
 اقدس مایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه احضار شدند
 بالوازنی که در حق مایون و صاحب منصب آن دولت دوستی است
 در کار بود و شرفیاب حضور اقدس عالی کردید و از جانب سنی الخاقان
 مایون مورد تهنیت و توجهات ملوکانه آمدند و تحف و هدایای
 که از جانب علیحضرت امیر طوری داشتند از عرض پیشگاه سکت
 مایون گذرانیدند در مقام دوستی و پادشاه با فروجه جاره
 مقام تحسین و ترغیب افتاد و احوی سبب تقسیم ممتاز بسیار
 و لایق هدایای محفل ملوک و سلاطین بودند

نشان نشان بمشال علیحضرت امیر طوری جاره بزرگ بلور بکند ساور رکن
 دولت استخبره مشکوک الماس کلا نواع صنعت و نظافت در آن
 خطه

تفنگ و صفت لوله و ریگ جبهه طپانچه فردا علی لاق صاعقه
 در نهایت صنعت و اعتبار و زینت در کل سبب اجزای
 بکار رفته رفیع

کتاب تصویر علیحضرت امیر طوری
 استر و خاتواد سلطنت و اکا
 دولت در غایت اعتبار
 یکد جبهه

برای جناب اشرف امجد ارفع و همچنین جنابان نظام الملک و وزیر
 امور خارجہ نیز عالی تعارفی از جانب دولت خود مستند که
 خواهند کرد

چون عالیجاہ مقرب الخاقان میرزا شعیب وزیر در انجام
 خدمات دیوانی مراتب کفایت و کاروانی خود را مشهور
 لمحوط خاطر امیر مایون شاهنشاهی و ای دولت علیه و آن
 لهذا درین وقت منصب جلیل استیفای خاصه بموجب فرمان
 مبارک سرافراز و بموجب سابق او نیز از زوده بکتوب جبهه
 از جانب سنی الخاقان ملوکانه در حق او خلعت رحمت کرد

نظر طلیافت و یکی عاچه نیتجه الامراء اعظام سنخالی جان سر
 اردیس مشکین و ظهور صفت و اتهامات و در انجام خدمت محوله
 درین اوقات اولیای دولت علیه حسب الامر اقدس مایون او را
 بمنصب جلیل سیرسی و لقب عیس مقرب الخاقان بموجب فرمان معان مبارک
 سرافراز و بکتوب جبهه تر از جانب سنی الخاقان ملوکانه در حق او خلعت
 کرد

لحاجه عبد البیک بهارلو باور بخانه مبارکه در میرت کردن تخریب
 خود را مشهور داشته بود و لهذا بموجب حکم نظامی مایون یک
 یادری سرافراز و بکتوب شمال برسم خلعت با انعام باو رحمت کرد

سایر ولایات

۲۰۶۲

استراباد

از قراریکه در روزنامه استراباد نوشته اند امور انولایت

انتظام است و رعایا آسوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس

تعالیون شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطانه اشتغال دارند

خیزق نشین که از آنجا کوچیده و بجزم عیسی و خدمتگزارانی

دولت قوی مکت علیه بقاری قلعه آمده بودند و ورود آنجا در

روزنامه سابق نوشته شده بود بعد از ورود و آنها بجزم

عمده الامراء العظام جعفر قلیخان المغانی عالیجاهان محمد رحیم خان

و یوزباشی قلیخان را فرستاده بود که آنها را از آنجا کوچاند

با ماکن اسکنی بدیند ایل مزبور گفته بودند که ما این مکان را

خوش داریم و اگر دشمن از خیزق یا جای دیگر بر سر ما بیاید

خود از عمده آنها برمی آیم عالیجاهان مشارالیه با آنها حالتی

خاطر نشان کرده بودند که ممکن شد در این مکان خلاف ایامانی

علیه است آنها هم کوچیدن از آنجا راضی شده و بیست و نه نفر

خانوار که بودند از آنجا به استراباد مسکن مرغوب برای

معین شده اسکنی گرفتند و یکصد و چهل نفر از ایشان سفیدان

انها با اتفاق عالیجاهان مشارالیه بنزد عمده الامراء العظام

ایلغانی آمدند

دیگر نوشته اند که بعد از پانصد نفر اسیر از ولایات متصرفه که در

ایل مزبور بودند که از خیزق سمره خود آورده بودند همه را آزاد

کرده بعالیجاه محمد رحیم خان سپردند یکی را سالما باو

خود روانه نمود

دیگر نوشته اند که عالیجاه یوزباشی قلیخان بسیار سابق خدمت

و بعد رده نفر ارکان کاری خود و صد نفر سوارزبده

سپاه خوب بجزم جان نشاری آماده کرده است که بسرا

عمده الامراء العظام المغانی بدربار جها ندر آمده بر

که مامور ما بنید بر اسم جانی پردازد

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور انولایت

قرین کمال انتظام است و نواب مستطاب بنزاده و الا تبار

حشت الدوله حکمران اصفهان همه روزه از طلوع آفتاب الی

غروب آفتاب اوقات خود را مصروف رسیدگی امور عامه

ناس و انجام خدمات و فرمایشات دیوان قدر نشان در

مراقبت و رسیدگی تمام در عرض و داد رعایا مینمایند

قاہره از توپچی و سرباز همه روزه در میدان نقش جهان

مشغولند و نواب معزنی الی اغلب روزها سبزه نشین و بزرگ

انها خود بمیدان مشغول حاضر شده رسیدگی در مشق و انتظام

امرا آنها مینمایند

دیگر نوشته اند که نواب معزنی الیه در باب وصول و ایت

مسط دیوانی و بقایای محل و انجام فرمایشات دیوانی تا

اکیه فرموده اند و با شترین و کارگذاران مشغول وصول

ایصال میباشد و در باب دوختن چادر سبزه خاتم خانه که

در بار جها ندر فرمایش شده است جمعی چادر در روز در

چهل ستون مشغول دوختن میباشد و نواب معزنی الیه اهتمام

که رود با تمام برسانند و هم چنین چادر خروج گزارازی را که

عربستان میباشد تمام نموده نواب معزنی الیه تحویل

فرستاده نمودند که برده در بر و جرد تحویل کماستکان نواب

مستطاب بنزاده و الا را حشام الدوله نماید

دیگر نوشته اند که امور قورخانه و حیه خانه اصفهان منظم و صنایع

و اسنانه ان همه روزه مشغول بچین کلوله و صحن فشنک و

و سایر آلات و ادوات جنگ اقبیس تفنگ و سر نیزه و
 پیش تار و پلپانچ و قداره و شمشیر و غیره میباشند و
 شاهزاده بعضی روزها خود رفته بکار حربه خانه و قورخانه و
 کار اصناف سبدکی می نمایند و اصناف را انعام داد
 با انجام خدمات محوله بخودشان ترغیب و تشویق میکنند

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند فوج هندس کرازان
 جانب اولیای دولت نلی حکم شده بود که روانه عربستان
 شوند و عالیشان هم یک اردلی مامور شده بود که ده روز
 فوج مزبور را روانه عربستان نماید مقرب انخافان میرزا
 حاکم عراق بعد از حصول اکاهی از حکم اولیای دولت علیه فوج
 مزبور را تا ما از صاحب منصب قاپین در سلطان آباد حاضر
 نموده انعام مرحمتی دیوان اعلی را بوسیله اردلی مزبور فرود
 فرود با آنها رسانده موجب مدارکشان هم قبل از ورود
 پرداخته شده بود تفنگ آنها را هم مقرب انخافان مشارالیه
 یکی یکی گرفته ملاحظه نموده هر یک خراب بود عوض داده و هر
 مرت میخواستند آن تفنگ را حاضر آورده مرت نمود
 و تفنگ هر دسته را تحویل سلطان آن دسته نموده قض
 او دریافت کرد و در مدت شش روز جمع نامهای آنها
 تمام کرده با ارسکی و انظام تمام با اردلی مزبور روانه
 مأموریت نموده نوشته از او گرفت

و همین فوج سربند هم که احضار در آنجا مبارک شده بود
 در روانه کردن آنها نیز لازمه استقامت را بعمل آورده بورد
 محمد علی بیک محصل حصول اکاهی بجایگاه ابوالفتح خان
 فوج مزبور اعلام نمود که فوج را چهار روزه سلطان آباد

حاضر نموده سان بد چون عالیجاه مشارالیه از موعده تخلف نکرد
 و روز چهارم فوج را با ارسکی و انظام در سلطان آباد حاضر
 نمودند شش مستحسن افتاده مقرب انخافان میرزا حسن خان
 کلیه ترمه از خود با و داده فوج مزبور را آن دیده روانه و بنا
 جهاندار تالیون نمود

دیگر نوشته اند که اگر چه سال باریکی که در عراق بایست بشود
 شده است ولی بجهت الله غله و فزودار و غله و نان و سایر
 خوبان و غیره از هر چیزی فراوان وارز است

کیلان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته اند فرمان
 که در باب گذارشش بوشه و آمدن قشون نکلیس و اجبار
 جنگ بفرار می مقرب انخافان امیر الامرار العظام
 و امالی کیلان شرف صدور یافته بود در دهم جمادی الاول
 بان ولایت بر تو وصول افکنده فرمای آن روز بوجبه
 از علمای اعلام و مجتهدین عظام و فقهم الله تعالی اقبیس خبابان
 حاجی ملا صادق و حاجی ملا شعیب که از فحول علما و مجتهدین
 رشت مستند و عالیجنابان حاجی سید عبدالله و حاجی
 باقر و ملا علی و ملا خلیل شماره و حاجی ملا حسن و حاجی ملا قاسم
 که هر یک قریب با جتهاد و در مساجد محلات رشت با اقامت
 مشغول طیب با سایر علما و طلاب و عموم اهل طایفه و غیر از اعمام
 و اعیان و تجار و کسبه و نوکر و رعیت از غریب و بومی در
 جمعیت و از دعوت نموده جناب حاجی ملا صادق خود بیالائی
 رفته پس از ادای ستایش ملک عظام بوقت حضرت خیر الامام
 علیه و علی اله اکرام و ترغیب غایبان اسلام بجمعیت ناموس
 و دولت فرمان مرلخان مبارک را خطیب در بالای منبر

۲۰۶۴

مضمون آن را کوشش زجمع خاص عام نموده بمجلسی
 اظهار مال و جان در راه ملت قوت اسلام و دولت علی
 ابدارتام نموده صدای عای ذات اقدس هائون و ظفر
 و نصرت دولت ابد معزودن بلند کردند و بسیاری از
 اظهار نمودند که سالها در ظل عاطف و مهربانی دولت
 صاحب قوت و بخت شده ایم امروز روز جان نثار
 و مسکام اظهار محبت و غیرت دینداریت و بر خود لازم
 و مستحکم میدانیم که مالا و جانا در راه حفظ ملت و دولت کوشش
 کرده از هیچ چیز خود را معاف ندانیم و بسیاری را و طلب
 کرده در مقام تنه و انجام نوکر از سواره و پیاده برآمدند
 تا بموجب اعلام ثانوی به طرف ما مورف نمایند روانه شوند
 از جمله عالیجناب حاج میرزا نصیر و حاج میرزا یوسف و سایر
 طایفه مرحوم حاجی سعید چنانچه عریضه خدمت اولیای دولت
 علیه نوشته اند متحد شده اند که علاوه بر نوکر و لایحه کتبی
 سواره رزیده کار آمد با اسب و اسباب حرب سایر لوازم
 و متعلقان خود آماده و مهیا دارند و هم چنین طایفه مرحوم
 محمدخان فوسنی نیز بهین قسم عریضه نوشته و متحدند
 نوکران خود شده اند و سایر مالی و تجاری و کسبه و تفرقه
 و جوقه بجزقه علی اختلاف الطبقات عریضه نوشته و داوطلب
 خدمت و جانفشانی شده اند و در تنه و تدارک سبب
 و آلات وطن و ضرب بسیارند و بطوری اقدام در انجام لازم
 کار دارند که بخت قبل از رسیدن حکم اولیای دولت علیه
 روانه شوند و سوار و زمان مبارک را مقرب انخافان عمید
 بجمع محلات کیلان روانه نموده در محلات و بلوکات نیز
 جمع مردم در کار تدارک نوکر از سواره و پیاده بودند

دیگر نوشته اند که در شانزدهم شهر ربیع الثانی مقرب انخافان
 عمید الملک بجهت نقل اسباب کار خانجات دولتی از شهر
 رشت بصره آمدند و با آنکه آنرا سامان لایحه جانان است و در
 به راه کرجهها در سفید رود بوده کمال مراقبت را عمل آوردند
 منجیل مسراهی نمودند و ایند فقه سبب زیادتی آب رودخانه
 محل نقل کرجهها آن راز اول شد و نیز بارندگی که موجب
 محل ولای و صعوبت عبور و مرور عملجات شد اسال اتفاق
 نیفتاده عملجات کرجهها را با سانی بمنزل رسانیدند که
 یاسک در سفر اول نزدیک منجیل با آب فرود رفت و در
 مدت هر قدر کوشش نموده بودند بجهت تسدی و سردی و
 آب نتوانستند بودند بیرون بیاورند درین نوبت که مقرب
 عمید الملک با پنج فتنه جمعی از آب بازان را با آب انداخته
 یاسک را برپا کرد و از آب بیرون آوردند و تمام
 اسباب کار خانجات دولتی صحیها و اردانبارهای میرزا
 منجیل کردید چهار عدد و یک آهنی بزرگ باقی است که بکل
 لاکه مانی که از نو ساخته شده است علامه معین گردیده است
 بیاورند
 دیگر نوشته اند که عالیجناب علی اکبر خان سرسنگ فوج خلیلی نام
 ساحلوی سردار زلی که بدر بار هائون احضار شده بود
 در یازدهم ماه ربیع الثانی از شهر رشت حرکت نموده
 فوج خود روانه خلیج کردید که نامهای فوج را در آنجا تمام
 نموده روانه و در معدلت مدتر شود
 دیگر نوشته اند که اسال نستان نسبت با لهای دیگر
 هوای کیلان بسیار بکلامت و خوشی گذشته است و تاکنون
 بطوری که سالهای دیگر سرد شده است

۲۰۴۵

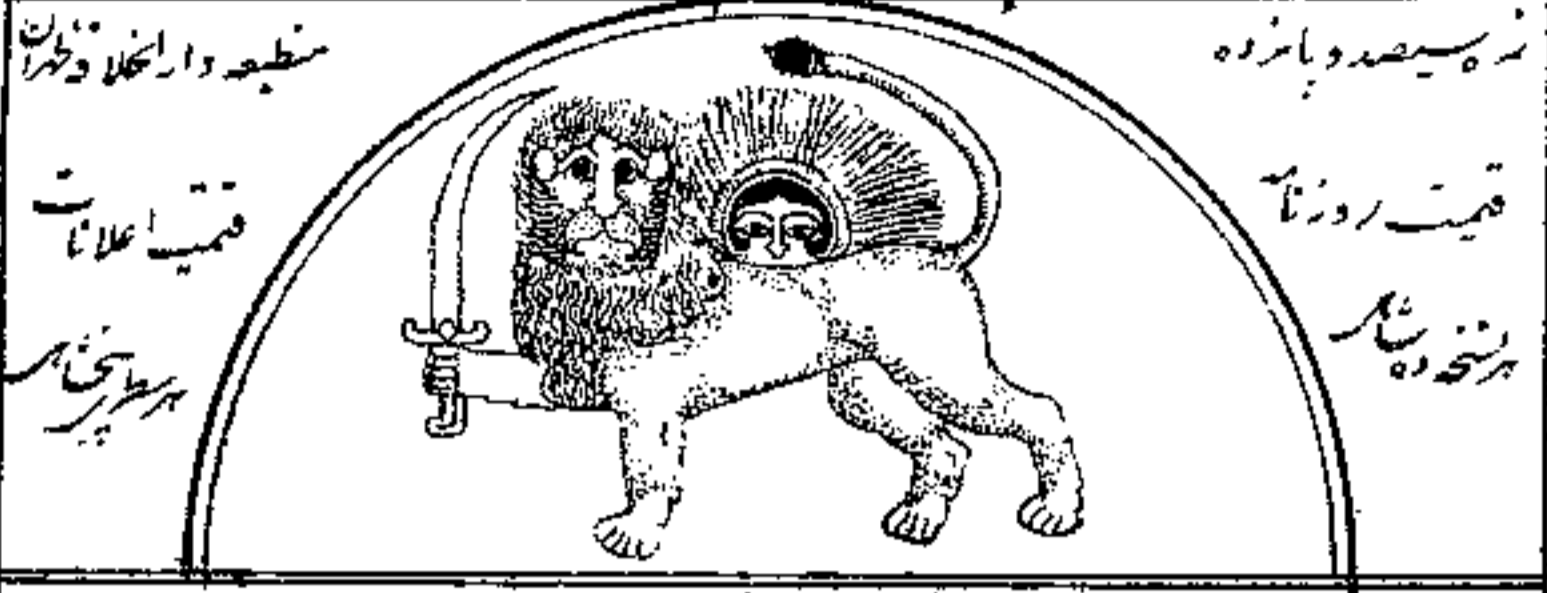
اجبار دول خواجه

در اجبار دول خواجه نوشته اند در او قایم که والده علی حضرت
 امیر طور است به جهت تبدیل آب و هوا پهنش رفته و در عمارتی که
 در آنجا داشت اقامت کرده بود روزی شخصی آنجا آمده و گفته بود که
 بخدمت والده امیر طور برید زیرا که در طفولیت او از زور طغیان
 بخت داده ام خادمان اعتنا نکرده و او را راه نداده بودند بعد از آن
 قوطی طغانی در آورده و گفته بود این قوطی را خدمت این پسر خواجه
 خواهد آمد قوطی را برده بودند والده امیر طور کشته و یک سینه موی
 در میان آن دیده هر چه فکر کرده بود چیزی که سبق بان مقدم باشد
 بجا طش نرسیده بود خود او را حواسته و تحقیق کرده بود
 گفته بود که پنجاه سال قبل ازین من در خدمت عسکره پرور سیه بودم
 و شاطن بودید و در بلخچه گردش میکردید ناگاه جوشی فغانید
 نور خود را با آب انداخته شمار بیرون آوردم والده شما قدری از
 موی شما چیده در میان این قوطی گذاشته من داده آنوقت گذار
 بجا ط و والده امیر طور آمده و او را تصدیق نموده در حق او خیلی
 الغام و اگر ام کرده بود چون ولعهد قرال سار دینه و بسیاری از بندگان
 در آنجا بودید و شکستنی درین باب ترتیب داده بودند
 در روین پای تخت استریه قوه خای بسیار بزرگی ساخته اند
 در این اوقات در پارس پای تخت فرانس قوه خانه از آن
 بزرگتر بنا کرده اند که در میان آن پنجاه سه هزار کس صندلی و میز
 و سایر باب گذاشته میشود و شبها بیچده هزار چراغ در آن
 میوزد و باین وسعت و بزرگی قوه خانه تا کنون در هیچ دولتی
 ساخته شده است
 در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند که در قبر
 در جوار لنگرگاه لارند قمار و طریا د با صدوسی صندوق

۲۰۶۶

بود در ۲۹ ماه ربیع الاول نجات و نیم از شب رفته از علامت
 سماوی مانند شش چیزی نازل شده بسیار و طافاده و در
 و صندوقهای فشنگش گرفته چهارده نفر را تلف کرد و
 اینیه هم که در جوار آنجا بود منهدم کردید
 در روزنامه سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امیر طور است
 باز و خود بصر صمید و شکار و گردش سبت لو شبار
 و وند یک غزیت کرده بودند بموجب روزنامه که این اوقات
 رسید در اوایل ماه ربیع الثانی دارد و وند یک شده اند
 و بجهت تبریک قدم امیر الهوری از بعضی دولت های همجوار آنجا
 مامورین فرستاده شده و از جانب مالی آنجا نیز اجرای
 شلیک های متعدد شده و اعلیحضرت امیر طور از راه داشته اند
 که از آنجا حرکت کرده بعضی محال این دو ایالت را هم
 تفریح نمایند
 از فرار یک از روزنامه رسی فرانس نوشته اند در شباط
 آئید بطریق قوه عسکر جدید از فرانس گرفته میشود و بعد
 صد هزار کس میگیرند در این باب اصلا انغیا و غیره
 میشود و در حق هر کس اجرای تساوی از جانب اعلیحضرت
 فرانس اعلام شده است
 در سال قبل ازین در قوه عسکره که موجب قوه گرفته
 عدد آنها بنود هزار رسیده بود در این اوقات که رسیدگی
 کبار آنها شده است بجهت بعضی ناخوشی اسی و پنجاه کس آنها
 شده اند و باقی را هم تا زمان دولت قرار شده است که احرا
 نمایند و لود و پنجاه کس مجدداً قرار شده است که عساکر
 تخریب نموده داخل نظام میکنند

روزنامه قایم انفاقیه سیاحتی و تجاری در شهر جمادی الثانی مطابق اول نوامبر ۱۲۷۲



منطقه دارالخلافه طهران

نهمینصد و پانزده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خطی هر

پانزده خطی

اخبار واحسانه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

تقریباً قسای موسم و مناسبت نگار در درود و شکر
 که شته اعلیحضرت قوی شوکت شاهی غایت
 تقوی و شکر فرموده سوار شدند و در اطراف دارالخلافه
 مبارکه گردش و شکار نموده حوالی عصر مبارک مبارکه
 سلطانی مراجعت فرمودند

هو از بسیار سرد کرد و بعد از آن رو بعبادت که هشتاد و نه
 قرار که معلوم میشود در اغلب ممالک محروسه نیز بارندگی
 باید شده باشد و رعایا و زراعت کاران بجهت آمدن حاصل
 اینده کمال امیت و آری بهم رسانده اند سجد الله و در دارالخلافه
 طهران انواع آذوقه و کولات از هر چیزی کمال و فوداد
 و المالی دارالخلافه آسوده خاطر به عاکوفی ذاب اندیش

در این اوقات هوای دارالخلافه طهران و اطراف با
 فصل در کمال ملایمت و اعتدال است در پائیز و زمستان
 تا اوایل دلو بطوریکه بایست بارندگی بشود در دارالخلافه
 و سایر ممالک محروسه شده بود و صاحبان املاک و
 زراعت ازین بگذر فی الجمله تسویش و استند ولی از
 تفصیلات خداوندی در اوایل دلو بسای بارندگی گذشت
 چند روز بارانهای خوب و موقوع آمد و بعد از آن هم
 شش هفت روز است که علی التوالی اغلب نسبهها در دما
 برف میبارد و برف سنگینی که زیاده برای حاصل منفعت
 دارد در کوه و جلگه افتاده است برف اولی که آمد یکدو

همایون ساهنهای خلد الله سکه و سلطانه اشتغال دارند و
 امور شهر را حسن مراقبت و کفایت نواب مستطاب شایسته
 و الا تبار را در شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و مقرب
 میرزا موسی وزیر دارالخلافه در نهایت انتظام است و عیال
 کلا شکر و که خدایان حسب الحکم در نظم شهر و محلات مراقبت تمام
 بعمل می آورند و مسرت و شادمانی بسیار کم اتفاق می افتد
 و اگر بندرت وزوی شود سارق و سبک شده بحکم
 نواب معری الیه بسازی عمل خود میرسد افواج فایده منفعت
 دارالخلافه مبارکه درین چند روزه که برف و بارندگی میشود
 از مس مساف جهاشند

۲۰۶۷

تباریکه در هفتگه کشته نوشته شد از اکثر علمای اعلام و فقهای
عظام ملت اسلام و نعمت الله تعالی و ائمه و اولیای محرومان
بنی برالهدایه غیر مندی در راه دین و دولت و اقدام بجهاد
بر بار خاندان علی التوالی که صورت بعضی از آنها در روزنامه
کشته نوشته شد از جانب علمای اعلام و مجتهدین
مفصله ذیل دارالامان کرمان و سایر ائمه و اعیان آنجا

جناب افاضت و افاد نصیب
قدومه العلماء الاعلام سخته
اخوند علامه سخته الله

جناب قضای و عوارف با عدله
و المحققین افتخار الحاج و المعتمدين
حاجی محمد کریم خان سخته الله تعالی

در این اوقات عرضیه با ولایای دولت علیه رسید که عبارت
آن بعضیها درین روزنامه مسطور میگردد

خدمت شریعت بیضای مصطفوی و پیروان نهیب غزالی رضوی
علی صاحبها صلوة و سلام من الله الملك العلام بموقف عرض
واقفان حضور با هر التور میرسانند که درین اوقات

از حد و بند را بوشهر برخی از اجابت بلیس فرقه نکلیس که شری
پیروان ملت و داعیان دولت جاوید مدت گردید و در
شریف را متوجه غیرت و حمیت و مجدد پیمان ایمان و

وفاق آمد خاصه پیشوایان ملت و دین را که مروج این اندوخته
اسلام مسلمین بمصدق و ان کلمه الایمانهم من بعد محمد و طعنوا
فی دینکم فقاتلوا انما الکفر انهم لا ایمان لهم لعنهم فیهون غیب عالم

و حسب الظن و ظاهر بدان پیوسته که تا جان در بدن دارند و لو
در تن شقاق مخالف را بوفاق موافق از بی ادعای و البطلان

گوشند و اگر چه بدخواه با دفر شروت و سپاه خیره دستی نمایند
و بسختی شخرو شدند که قاطعاً بعد بهم الله باید یکم و بجزیم و بضرکم
علیم و شیف ضد و قوم موئین فان یکن منکم مائة صابرة یغلبوا
مائین وان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله وان الله
مع الصابرين و ازین در حکم قاهر غالب فاد که خدمت و حضور
واقعه و التهم نقل مرصده اندازد و حد در حد و مخالف و زو
منابر خاص و عام را بزرگش و از دعام پیوسته از بی شکر
ترغیبند که سر اسرار خورد و بزرگ و سیاه و سفید و انماش و کوز
و عالم و جاهل در تبهت سیاه و دفاع و منکامه اجتماع خیزند و کمال
و جان و خدمت چشم جدال را شوقیال انکیزند و عوام را بزرگ
از دعام در نهان و عیان شور روان و در زبان است که ها
که خبر با یالت و ولایت سلطان جهان و خاقان زمان که بزرگ
مصطفوی را با شمس بنیان تمام است و طریقت بر تصوی را
مشید ارکان نظام تسلیم حسته رضا و بهم با قید اطاعت بر
طاعت بنیم با ایکه کاشمش فی راجع الیه را آشکار است که اگر

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند و
اشکار و خفا هیچ از سیزده خفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سوره که آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو در گراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست
و نوبت توبت آسیب و آزار رونق بازار گیرد و آن کیت که بر
داعیه انکار تو اند یا وقوع این احتجاج رالاف و کرافح
آخر نه سیرت ایشان با الهی بند و ستان مشهور است
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت فاحش نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات انام و با
اندیشه خام مارا میرسد که قائل حسب نخل و رزم و بخلوت

۲۰۶۸

عزت کیریم با آنکه بلاد ایران چشم و چراغ اهل ایمان است
 و ایرانیان بجهت مذمت و غیرت ملت مشهور فاق جهان
 و این جمله که سیم چگونه از اهل کابل و قندهار بجهت کمتر بایم
 با اینک حق پرست و خدا شناسیم و چون خداوند قادر
 قهار و پغمبر مختار و اندام الهی سلام الله علیه جمعین با
 روزگار حضرت بقیة السجمل القدوس ما را نامر و معین است
 که اسلامیان را پشت و پناهند و شاهد و آگاه دان
 لا یصلح عمل المؤمنین و فی القرة و الرسول و للمؤمنین غیرت
 اهل کابل و قندهار شهرة روزگار است با آنکه ایشان
 چون دارای زمان و زمان فرمای جهان سنا و عبادی
 بنوده و اینگونه دستگاه و سپاه و سلطت پیکار و صلوات
 کیر و دار که سجد الله الملك المنان دولت سلطان ایران را
 مر ایشان را آماده نخواست و باطنت عدت با نذک نش
 و ما را از روزگار دشمن عذار بر آوردند و برانیم که تا توانیم
 اگر چه بوسیده تدبیر باشد این فزده خصم را از پی کبر و دار خیزیم
 و بعضی بحال اگر بواستفشی برخی ناکسان برین از حد و
 ایران روزی چند دست یا بند برین شور مغرور و جسور
 که همان همکار کابل است و ترک تحمل فاصحی لاری الا
 لهذا عرض این خاکساران در حضرت شهریار جهان
 این است که از سر صدق و صفا و پیوند و وفا بند کایم
 دل بر کف چشم بر حکم و کوشش بر فرمان و کنون
 مطابق را غلطیم که باندک شارت اولیای حضرت سبحان
 مال و فرزند و عیال لوی جدال افزاییم و جان فشانیم و بایم
 و مخالف را آوازه این خبر آویزه گوش باشد که با وجود این
 و اسلام تکلیف مسلمین از مخالف مذمت و دین صورت مکان

بند و دحق و باطل بهم پیوند و اگر چه این فرق را بجهت
 وقت قرار بر این است که بخششها کند در بزمها نماید
 از آرا کشند و نیاز زاند و تقاول بیند و تحمل آزند لکن بهر
 بخت امیرش ایشان بضر و خطر از ستم فاق پیش است و
 موجب هر گونه تشویش را با بواعید خویش نفریند و بزرگ
 و شید قد از پی صید نهند که مان چون خوردن و دست
 ناگوار نوشتن و خرقه صد باره پوشیدن و در حاکم
 اسلام که کشیدن و سلطان مسلمانان را پیرو فرمان
 بودن از خلق و نوشتی که دارند و غدیر و مکرری که نپارند
 و سرخ و زردی که شمارند سی خوشتر است و نگوتر که
 تسوی الظلمات و النور و لا الظلم ولا محذور بر بدون
 نور الله با قوا بهم و یا فی الله الا ان تیم نوره و لو کره لکافرون
 و چون مخالف ایران حوزه اهل اسلام و ایمان است و
 اهل هند وستان بر رفتار و گفتار علمای این سامان
 اهل اولان نیز از آوازه این چشم و سینه سر از خواب غفلت
 بر گرفته غیرت و حمیت را شعار و دثار خود مینمایند
 بپیر و از نذ که در خور مذمت و این است و طریقت و دین
 باقی ایام دولت جاوید مدت اعلیحضرت شاهنشاهی
 فداء روزافزون باد
 عالیجاه میرزا مهدیخان مثنی باشی نظام که چند وقت قبل ازین
 منصب مثنی باشی مثنی نظام و خطاب خانی سرافراز
 و در روزنامه های سابق نوشته شد در این اوقات
 جانب سنی بچو اسبق قدس ایون شایسته کتب
 جنبه ترمه و رازای منصب و لقب فرورد بر رسم خلف و حق
 عالیجاه مشارالیه حمت کردید

۲۰۶۹

چون پول ریالی از مالک محروم شده این قدری کم شده و
اغلب ولایات با اشرفی صرف زیاده هم رسانیده اولیای دولت
علیه قاهره در مقام چاره و رفع این کار برآمدند که عامه خلق در
رفاهیت و آیش باشند ضروری که از صرف پول مردم ببرد
رفع شود روز چهارشنبه غره شهر جمادی الثانیه ۱۲۷۳
جمع از اعیان دولت را با جمعی از تجار بعبه و صرفان دارالخلافه
احضار فرموده از قرار تفصیل معروض فرمودند
اولاً حکم محکم بکل حکام و مشایخین ممالک محروسه صادر شود که برآه
من بعد از ایات مالیات دیوانی نفرستند و این عمل را بکنی در ولایات
موقوف نمایند هر جا که برآه تجاری بفرستند یا نقد تومان چوبه
باید بدیوان اعلیٰ باید مالیات را پول نقد بخرانه عامه نفرستند که
هم صرف خزانه نیک و بد پولها را بدهند هم در ولایاتی که ریالی
بخرانه آورده میشود صرف پول میان مردم کم میشود
دیگر اینکه بخران و فارس بزد و کرمان و مازندران و کرمانشاه
بخصوص حکم صادر شود که مالیات دیوانی را اشرفی بچیده نخودی
وزن بگیرند و بر عیث سخت بگیرند که باید ریالی بدی بکند اشرفی را
از بابت مالیات بگیرند و قدغن شدید شود که تجار غیره بچکس
خود را با ریال کنند مشک که بگیرند و میدان اشرفی قرار بدهد که معامه
و کل معاملات تجاری با اشرفی باشد
دیگر آنکه بخران و مکران و کرمان و مکران و کرمانشاه
صادر شود که من بعد دیناری و شغالی بال مسکو که و نقره غیر مسکو که از
مالک ایران بمالک خارج بیرون ببرد در هر جا تجاری بخواد برون ببرد
صنعت دیوان اعلیٰ باشد
دیگر اینکه قدغن شدید شود و الترام از طرف تجار و بقره گرفته شود که در
و بخراری رواج با و در داد و معامه اخیر کم کنند در صورت وزن

۲۰۷۰

۲۱

درست باشد بخراری حدی نخود و و بخراری چ حد و مسجد بخراری
باشد مقابل اشرفی توانی معامه شود و در کل ممالک محروسه از اشرفی
دیگر مختصی بخراری با حکم محکم نامشود که ریالی درین دور و روزها با قاطع
روان کرده بود که از دارالخلافه طهران ببرد و از آنجا مالک خارج
آن ریال در هر خواه در عرض خواه دیزد ببرد بر کردانند و کند از برون
برود و ضربه دیوان شود
دیگر اینکه حکم صادر شود که عربستان و کردستان و عراق که بابت مالیات خود
ریالی میدادند باز هم ریالی بدهد که بخرانه عامه آورده و ببرد داده شود
اگر بعد ازین اشرفی بیاید مقبول نخواهد شد تا میان مردم ریالی بسیار
شود و صرف آن کم گردد
دیگر اینکه بخران و مکران و کرمان و کرمانشاه
بخصوص حکم صادر شود که مالیات دیوانی را اشرفی بچیده نخودی
وزن بگیرند و بر عیث سخت بگیرند که باید ریالی بدی بکند اشرفی را
از بابت مالیات بگیرند و قدغن شدید شود که تجار غیره بچکس
خود را با ریال کنند مشک که بگیرند و میدان اشرفی قرار بدهد که معامه
و کل معاملات تجاری با اشرفی باشد
دیگر آنکه بخران و مکران و کرمان و کرمانشاه
صادر شود که من بعد دیناری و شغالی بال مسکو که و نقره غیر مسکو که از
مالک ایران بمالک خارج بیرون ببرد در هر جا تجاری بخواد برون ببرد
صنعت دیوان اعلیٰ باشد
دیگر اینکه قدغن شدید شود و الترام از طرف تجار و بقره گرفته شود که در
و بخراری رواج با و در داد و معامه اخیر کم کنند در صورت وزن

رواج بود

و الترام هم باین مشغول از آنها گرفته شود

دیگر اینکه اشرفی در دست کس با بوزن تمام درست معادله شود
 هر اشرفی که از یک کنگه بیشتر کس داشته باشد صرف در دست کس
 بگیرد و ببرد که در غیر آنجا بوزن درست سگ شود و کس وزن و خرج
 صاحب اشرفی بوزن در دست بگیرد

صافی که در دارالخلافه طهران صرافی میکند از سی نفر بیشتر نباید باشد
 میان این سی نفر ده نفر از دارالفیصل انتخاب شود که هر دو نفر از این صرافان

در هر روز سه مرتبه میرزا جلاله حاج میرزا حسن که در دارالخلافه
 صاحب دارالخلافه است و میرزا جلاله صاحب دارالخلافه است
 صاحب دارالخلافه است و میرزا جلاله صاحب دارالخلافه است
 صاحب دارالخلافه است و میرزا جلاله صاحب دارالخلافه است

بیک نفر از اینها که انتخاب شده از سپرده با آن هر یک تعقیب نماید
 شود از این ده نفر مواخذة خواهد شد و مورد تعقیب و جریمه
 بود

چون مذکور شد که صاحب جمعیان دیوانی هر کدام صرافی دارند که پول
 بپردازند و ضایع بنمایند لهذا حکم شد که اختیار جمیع صرافان متصرفان
 معیر الممالک با برای هر یک از صاحب جمعیان از آنجا که در
 و محمد امین خان و میرزا ششم خان و آقا خداداد خداداد
 جناب جلالت آقا جل اشرف اعظم و ام آقا جل عالی مشار
 صرافی این متدین تعیین نماید که تعقیب و پول کنند که پول بی عیب
 و نقص بار باشد و برسد بعد از این در هر پولی که عیب و نقص

بهم برسد مواخذة از معیر الممالک خواهد شد و در سایر ولایات
 حکم همین است که بی اطلاع و اذن معیر انولایت کسی صرافی نکند و در
 دخل و تصرف ننماید از کیلان بخصوص حکم صادر شود که در عن
 شد نمایند که من بعد در پول را نبرند

از غره شه جادی الثانی تا آخر ماه صرافان حملت دارند که
 اتهام نمایند صرف پول را کم کنند بطوریکه حکم شده است
 ریال از ولایت بیرون نیرود و صرافان هم احتیاط می کنند
 که تا جبری نخواهد پول را بیرون ببرد خبر می کنند و راه را نگاه

صرف پول کم میشود
 سایر ولایات

کرمان از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور ولایت
 از اتهامات حسن آقبت امیر الامراء العظام سپیدار حکمران
 کرمان قرین انتظام و انضباط است و مقرب الخاقان میرزا محمد
 و پیشکار کرمان جب احکم در رسیدگی امور ولایتی و داد و ستد
 معاملات و انجام خدمات دیوانی اهتمام کافی بعمل می آوردند

رفتن مقرب الخاقان جعفر قلیخان میرنخدا با سرباز و سواره
 توپخانه و قورخانه و استعداد دار کرمان نسبت حیرت در روزنامه
 نوشته شده بود و بموجب اخباری که در این اوقات رسید
 با کمال انتظام وارد آنجا گردیده و کل االی آن سمان احسن
 سلوک و رفتار و نهایت رضامندی و شکر گذاری داشته اند
 که احدی از قسطنطنیه بوجهی مقرب الخاقان مشارالیه قدرت
 و عطا و حساب نسبت عیسی نداشته و هوای حیرت میرزا
 بوده است و بعضی امور بسیار خوش گذشته و او در سرباز
 نهایت وفرا داشته است

چون فوج علی ابوجمعی مقرب الخاقان شجلی خان سرتیپ که با امور
 ساختی کرمان بودند در مدت مأموریت با االی انولایت بطور مختصر
 سلوک کرده بودند لهذا االی شهر کرمان از امیر الامراء العظام
 خواستند شد که نظم شهر و قراول خانه ها کا کان باز باطلان
 باشد و با ساختن خلوی آنجا باز برقرار شد

۲۰۷۱

دار السلطنه هرات

از قرائیکه در روزنامه هرات نوشته اند کمال اینست و انتظام
 در ان ولایت حاصل است و انانی ان ولایت از اعالی داد انانی
 خاطر بد عا کونی ذات احدیس با یون شاهنشاهی خلد الله ملک
 و سلطانه شتعال دارند

امور شهر و محلات نظم تمام دارد و قرار که استه اند که شبها
 در بازار با هر که نگاه محذره نفر از شاگرد و دروغه برانی که سابق
 بودند با شند چ نشان باده نفر سر بار میان بازار کردند
 بگردند و پنجه و دیگر در میان محله و کوچه با قراول و بانو کرای
 میرزا محمد روزنامه نویس با که صدای محله در گردش بوده
 و حرات مشغول باشند و آنچه واقع شود صبح با چینی
 بگردند از محله قراولهای کرده با ادهای روزنامه نویس
 و نفراتش آوردند و مذکور است که اینها را چهارماعت
 از شب گذشته در میان محله گرفته ایم شب آنها را در زندان
 نگاه داشته صبح میر عبد العظیم تاجیک آمد و گفت که اینها
 ادعای من کنند و هر دو در محفل نمود

دیگر نوشته اند که حسب حکم نواب مستطاب بنزاده والایا
 حاکم سلطه حکم آن ملک خراسان در چهار بازار هرات
 جار کشیدند که هر کس آذغانی یکی داشته باشد مراتب را
 بعض نواب مغزی الیه برساند اگر طلب بی و در دویم نواب مغزی
 دریافت کند چون بعضی اشخاص آذغانی بیجا و باطل میگردند
 طایفه بردارانی و غیره را می گرفتند لهذا این جار کشیده شده
 قدغن کردید که بدون عرض و اثبات حق کسی مزاحمت دیگری
 ندارد

دیگر نوشته اند که حسب حکم نواب مستطاب حاکم سلطه مقرر کردید

عالیجا میرزا محمد حسین مستوفی دار السلطنه هرات آنچه سیرت
 در زمان یار محمد خان ظهیر الدوله بودند و بعد از آن در زمان
 سید محمد خان و شاهزاده محمد یوسف و عدلی خان بودند همه را
 سیاه نموده و تفکهای ایشان را آورده آنچه مرمت ضرور
 دارند مرمت نمایند عالیجا پشایر الیه نیز حسب حکم نواب مغزی
 آنها را بقرار ثبت و قمرسان دیده و تفکهای آنها را دریا
 نموده هر چه مرمت ضرور دارد میدهند که مرمت نمایند

و نیز نوشته اند که نواب مستطاب حاکم سلطه بجای میرزا
 کلا تر حکم نمودند که محله مزدور بگیرد و خاکه نریکه متصل به هرات که
 قراول خانه ها بازند و در آنجا توپخانه ساخته شود و سر بانهم
 در آنجا باشند و مشار الیه هم محله گرفته همه روزه در کارند و تمام
 از خود که استه است و سرباز فوج عالیجا محمد رضا خان متوجه
 انجام قراول خانه ها و جای توپ میباشد و هر طرف آنرا که
 بهین طور قراول خانه میسازند و هم چنین مقرر داشته خانه ها
 نزدیک با یک پیاشند و در کاکین پای چهار که نزدیک بخندق
 و روبروی بارک شینا نهادند و در آنجا تخته خراب است
 که هم میدان ارک زیاد بود و هم باعث استحکام با و پول گاه
 و خانه های را که خراب میکنند بصاحبان روان نمایند چند
 متصل بخندق ارک بود خراب کرده و قیمت آنها را بصاحبان
 تسلیم نمودند

دیگر نوشته اند که آقا محمد مهدی تاجر عراقی پهای تخت دار و آمده مذکور است
 که بکنفر جاریه از خازین سرفقه کرده اند قراول بجهت پیدا کردن جارت
 بدرواز فرستادند و زودیک سرباری که مستحق در ب ملک بود
 دید بود که میخواشت از شهر برون برود او را گرفته پهای تخت آورده
 تاجر پور اطلبید و با و رد نمودند

۲۰۷۲

اجتبار و اول خارجه

قسام در دینها و طراحيها که بعضی اوقات اتفاق می افتد در روزنامه می نویسند آنچه نوشته اند که طریقی نفریست و بطور غریب و زوی کرده است تقضیاتش که دو نفر صراف با هم شریک بودند یکی در کلیمین دیگری در فرانس در محلی ساکن بودند روزی باین صراف که در حوره فرانس بود از جانب شریکش از راه سیم صاعقه پیغام رسید که نوکری از من که در خدمت بود این اوقات بعد پنجاهشت هزار تومان طلا از صندوق من در دیده و کزینچه است مترصد باش باش اگر در این محل و شمایل و سن و ترکیب شخصی از کشتی بیرون بیاید تنخواه مرا از او بگیرد ولی چون مدتی خدمت مرا کرده است اذیت بکند در موا بشود و هزار تومان با او بدو دزدی او را قاش کن بگذار چهره برود و برود صراف نیز چند روز در کجا دریا آمد مترصد بود تا روزی دید بهمان نشانیها که کیش پیغام داده بود شخصی از کشتی که تازه وارد شد بیرون آمد که در آنجا بود رفته است صراف نیز رفته در پهلوی او نشست و خاموش بود بعد از آن شخص رو بصراف کرده و گفته بود که بعد پنجاهشت هزار تومان طلا دارم چون سکن است بجهت سبکباری صرافی میخواهم که اینهارا با بسکناس که پول رواج فرنگستان است معاوضه کند صراف گفته بود که من خودم صراف معتبرم و طلای تو را بسکناس میدهم آن شخص طلا را در دسترس راه صراف بمنزل او رفته و تحویل داده بود بعد از آن صراف گفته بود که تو این طلا را در کلیمین از فلان صراف که شریک است در دیده و از راه قنراق بن پیغام داده است که از تو بگیرم ولی چون تو مدتی خدمت او را کرده من پیغام داده است که چنانچه تو را استکار سازم و ترا رسوا کنم و در هزار تومان هم بنویسم

خواستند باشی بروی آن شخص اول پیغام انکار و تکاشی بر آمد بود صراف او را با جنبه جانب حکومت و گرفتاری مضطرب تهدید کرده بود بلا ضرر با قرار آمده و رضی بگرفت دو هزار تومان شده گرفته و رفته بود بعد از آن صراف نیز بر لبه یک خود نوشته بود که فلان نوکر تو که از راه سیم قنراق پیغام فرستاده بودی بعد هزار تومان طلا در دیده بود او را بهمان نشانیها که گفته بودی بدست آوردم و طلا را کلاً از او گرفتم و ده هزار تومان هم که گفته بودی با او بدادم و او را مطلق العنان کردم و رسوا نمودم از شریکش جواب آمده بود که من اصلاً ازین مقدمات خبر ندارم نه آدمی از من کزینچه و نه تنخواهی از من رفته و نه پیغامی از راه قنراق بن فرستاده ام صراف متعجب شده به طلا رفته بجهت عیاری زده بود دیده بود کلامش خالص است که بطوری مطلقا کرده است که در باوی نظر طلا میداند چون اینکه در سفر بسیار غراست و تا زکی داشت در روزنامه های پاریس نوشته بودند

از کشتیهای شرع دار تجارتی فرانس چند وقت پیش ازین یک کشتی آمده و با بارگیری کرده از نیکی دنیا بفرانس روانه شد در پهن راه ناخوشی بعد جاکشتی روی داده کلاً تلف شده بود و بغیر از کپتان کشتی مرزبورد دیگر کسی در کشتی نمانده بود کپتان متوجه شد که کشتی را هر طور بود سلامت بکنر کاه حوره فرانس رساند بود چون مسافت این فرانس و نیکی دنیا از سه هزار است متجاوز است و مشارالیه تنهایی ازین مسافت کشتی را با امتداد بسیار بسبب سهل ساخته بود خدمت او در زمان عجلت امپراطور فرانس درجه نخست یافته نشان افتخار رود لیه با داده بودند

۲۰۷۳

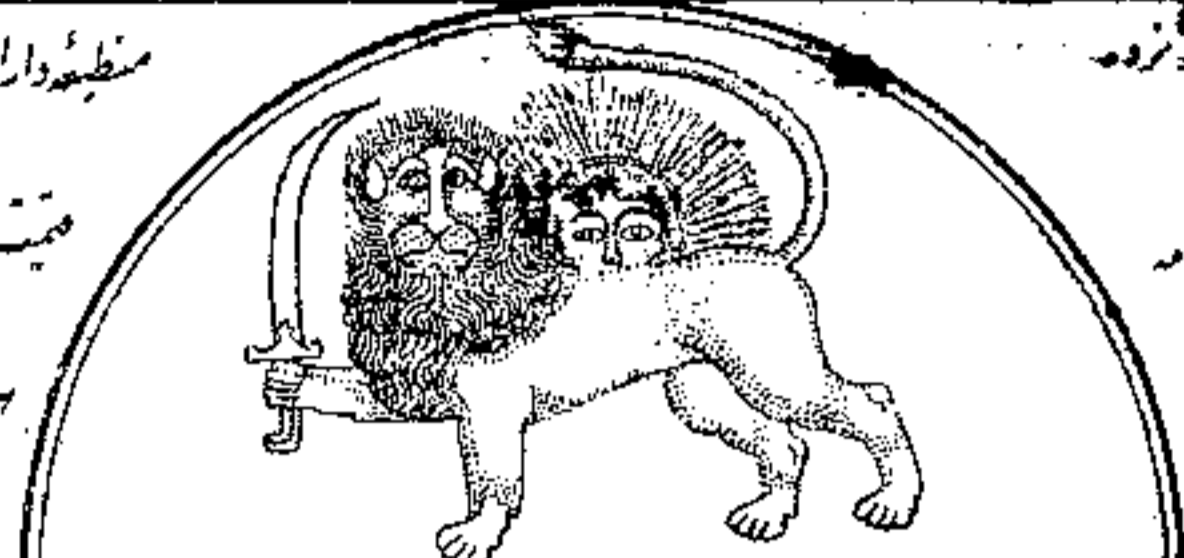
دیگر نوشته اند که در این اوقات در بعضی شخصی طو نام
 التي اختراع کرده است در باب علم رقوم که در ضرب و تقسیم
 و کمال سهولت بواسطه آلت مذکور حسابی که با دست در
 باید نوشت در پنج دقیقه بدون سهو و حساب میشود و از
 جانب حکومت تجربه کرده اند بیست سال قبل ازین یک شخصی
 لندن که بازی شطرنج بسیار خوب میکرد و صورتی بزرگ ساخت
 و صفحه شطرنج را در پیش روی او گذاشته و بشطرنج بازی
 لندن اعلام کرده بود که هر کس بخواهد شطرنج بازی کند باید در
 وجهی معین گردید با این صورت بازی نماید شطرنج بازی
 لندن این معنی بظنشان بسیار غریب آمد و هر کدام آمد با
 آن صورت که نوشته و بازی کرده بودند مغلوب شده و با
 بودند و موجب حیرت همگی شده بود بعد از آن معلوم
 بود که طفلی که بموجب تعلیم آن شخص در بازی شطرنج مهارت
 کامل بهر اندازه است در میان آن صورت مخفی است و دست
 آن صورت حده را در مقابل هر لیف حرکت میدهد
 ازین قبیل چیزهای دیگر نیز بکرات ظاهر شده است حال
 دور نیست که این آلتی را هم که این شخص در باب علم حساب
 اختراع کرده است آدمی حساب دان چاکدست در میان
 مخفی کرده باشد
 کوه سوزنده که در جوار ناپولی است یک مدتی پیش آن
 شده بود در زلزله ای سابق با زلزله از او ظهور کرده در
 ثانی منطفی شده بود در شب دوازدهم ماه ربیع الثانی گذشته
 ناگاه آتش از او ظهور کرده و شدت فشان اطراف شده بود
 بطوریکه نوشته اند از روشنائی او شهر ناپولی مانند
 روشن گردید

۲۰۷۴

در فرانس از فرار یک نوشته اند امور دعوی و مرافعات
 بعضی اتفاق می افتد که تا دو بیست سال و سیصد سال طول کشد
 از جهت در ایام صد و سیزده سال قبل ازین در پاریس با تحت
 فرانسه شخصی فوت شده و بقدرسی هزار تومان ترک او باقی
 مانده بود در تقسیم این ترک ما بین ورثه او منازعه شده
 و صورت تقسیم بعهده لغویق افتاده مسلح مذکور از جانب حکم
 حفظ و توقیف گردیده بود در این اوقات دعوی ما بین ورثه
 فیصل پذیر گردیده آن مسلح با منافع سنواتی آن که حاصل
 و فرغ به قصد ده هزار تومان رسیده بود از جانب حکم
 بمانع تسلیم گردیده در روزها نوشته اند
 دو تین فرانس و اسپانیول با یکدیگر هم حدود میباشند
 و تاکنون تخدیه حدود ما بین آنها شده است اگر چه از چهار صد
 سال قبل ازین تاکنون بکرات ما مورین از طرفین سجد تعیین حدود
 معین گردیده و مذاکرات شده ولی فراری داده نشده بود
 درین اوقات از طرفین در سرحدات قومسبونی مخصوصا
 ترتیب یافته است که تخدیه حدود در هر صورت که است
 معین شود
 در ضمن تبریک جلوس اعلیحضرت امپراطور روسیه پیغمبری که
 از جانب دولت فرانسه با نجا غرمت کرده بود ظهور کرده
 مراجعت کرده و در بطرز بوریع میباشد در این اوقات
 که یکی از نویسندگان سفیر شارالیه بجهت صید و شکار در کام
 بجزار فقه بود از شدت برودت بر او مفرش بچ بست
 و این وسط جنون با او عارض گردیده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم ششم شهر جمادی الثانی سن ۱۲۷۳

منظومه دار الخلافه طهران
 مهیت روزنامه
 مهیت اعلانات
 هر نسخه ده شاهی
 هر سطر پنج شاهی



احبار و احد ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران
 در یوم شنبه ۲۱ افواج سربندی و دوماوندی جمعی عالیجاه
 سرتنگ و مقرب انخاقان ابوالقاسم خان سرتنگ که حاضر
 شده بودند در میدان ارک مبارکه حاضر گشته اعلیحضرت شاهی
 اید و همیشه تشریف فرمای میدان مزبور گردیده بهر دو فوج
 نوازش و التفات فرمودند
 مقرب انخاقان حسنعلیخان سرتنگ که مأمور خراسان بود با افواج
 وارد شد و خود مقرب انخاقان مشارالیه در میدان مزبور تشریف فرمای
 مبارک شده مورد نوازش و التفات ملوکانه گردید
 نظر محاسن جناب مقرب انخاقان حاج علیخان حاجیلدوله که در سفر
 جاجرو و مشهور خاطر اقدس تالیون شاهی شده بود و مورد
 ملوکانه آمده بعد از مراجعت ملوک تالیون ارشاد گاه جاجرو و دیگر
 ابره لاکلی از ملوسات بدن مبارک مقرب انخاقان مشارالیه
 فرمودند
 تاریخ ۹ شهر جمادی الاخری حضرت مقرب انخاقان میرزا محمد حسین
 با یک مضمود گردیده داده است هزاره بلوکیه مخالف یک مضمود
 نماید از تاریخ مزبور بعد از نوشته نامی که شده او بارشود و در
 این تعلیق با یاسرکت احکام دیوانی ملاحظه شود یا معتبرند نسبت از درجه
 اعتبار ساقط باشند بعد از این حدیثی تازه او معتبر خواهد بود
 چون عالیجاه مرضیقلیخان سرحد دار تالیون ازلی متدی اباخوشی فایز
 و از عهد جناب مات سرحد داری نیتواند بر اید لهند نظر بشاید کسی عالیجاه
 برادر مشارالیه درین اوقات منصب هبل سرحد دار ازلی سرافراز و فرمان
 تالیون و صدیق و طاعت و در روز شنبه شریف حضور فرمودند
 خواجه طالش که با نوکر ابوالکاسمی خود در تالیون آمده نوکر خود داده و
 و خود در دار الخلافه توقف داشته درین اوقات موجب تقصیل در تالیون
 عالیجاه فرج الله عالیجاه حقیقه عالیجاه علیخان عالیجاه کام عالیجاه پید
 عالیجاه حجت
 گردیده و خلعت و طاعت تالیون در حق هر یک مرحمت شد حضرت
 انصاف بهر خدمت خود حاصل نمودند
 چون مرحوم میرزا اسمعیل میران آقاسی که مبارک شایسته کتبان بود و وفات یافته است
 لهند درین اوقات ولایای دولت علیه بموجب فرمان ملحقان بر عالیجاه
 محمود خان پسر او در بسیاری سبلات سرافراز و ابوالقاسم خان برادر او را
 مشارالیه برقرار نمودند و از جانب بلوکیه خلعت تجاری آنها
 و عالیجاه میرزا امان الله قاضی جناب حالات نظام الملک مقرر شد که فرمان
 آنها را برده و امورشان را نظم داده و رعایت نماید

۲۰۷۵

بعضی تفصیلات متعلق بسند دایره مابین دولت علیه و دولت
 انگلیس در روزنامه مجلات انگلیس و روزنامه مجلات دولت
 نوشته شده است که کارش آن درین روزنامه از برای
 اطلاع عامه خلق خالی از مناسبت نبود لهذا بعینها نوشته
 ترجمه روزنامه بلجیکا بتاریخ چهارم شهریور
 ۱۲۷۳ روزنامه دولت انگلیس موسوم بموسون
 در مدح عساکر دولت خود که بدیاری فارس رسیده اند
 نوشته است که روزنامه مذکور فی الحقیقه دولتی است
 میگوید در واقع این مأموریت قشون از برای پادشاه ایران
 نیست محض مخالفت با دولت روستی است هرگز دولت
 روستی گرفته است و دولت مذکور هرگز راز و بگیزین
 حیاد است محض اجتماع عساکر خود در مقابل هندوستان
 کرد لکن روزنامه دیگر انگلیس موسوم بموسون این خیالات
 روزنامه فوق را شرمگین نبوده بی پایه و مایه بشمارد و بطور
 شایسته و از روی کمال عقل و اندیشه جمیع نتایج مضر و مضر
 کثیره که از این مأموریت قشون انگلیس نسبت طهران روی خواهد
 و عدم فایده این جنگ را بیان می نماید و نیز میگوید که عدم
 مهربانی ملت ایران نسبت بانالی انگلیس و خلی بدولت روستی
 ندارد باعث اصلی پیشروابط حلیه را باید بطور سلوک در قضا
 سفارت انگلیس که از بدو بروفت معضرت بود و آورد در روزنامه
 بلجیکا میگوید که این نوع اظهار از دهن روزنامه انگلیس تقدیر
 و نادر است که نباید ماسکوت گذرانده در صفحه خود ثبت
 ننمایم خلاصه این احوار گوشه حاتم و کافه ملت انگلیس خواهد
 انالی انگلیس که شان و قدر بیشتر از گفتگو مکالمات روزنامه
 ایشان است ظاهرا خیالات جور و اعمال پولشیکه لاریون

۲۰۷۶

در مشرق زمین میل داشته شرمگین نخواهد بود مجالس عدیده
 در اکثر قریه های انگلیس فیمابین اهل ولایات در سخت و ایراد
 جنگ بر پا و واقع شده است از آنجمله در شهر نوکاستل محلی
 مستعد شده است مکالمات بدینجا رسیده که جز با تصدیق نموده
 که جنگ با دولت ایران بلا حرف محض خلاف و ضد قواعد عدل
 و اهل مجلس مذکور بر عهد خود گرفته اند که در حضور دیوانه سخنان
 ایالت خود بظرف عطف مدعی صاحبان و افراد سبب از آن
 نامور دریای فارس شوند و آن قشون را اجر کننده او امر حق
 محسوب آید اگر سبب اهل انگلیس از ساکنین شهر مذکور مشرق
 بگیرند چنانکه احتمال کثی در پیروی میرود آنوقت سبب ای که لازم
 پالمستون برای اولیای دولت خود شرایط استحکام و استقامت
 حاصل نماید چه مشکلات جدید چه دیگر تحصیل نخواهد نمود محاصره
 دولت انگلیس با ایران را نه تمهات خود انگلیس قبول نمی گذارد بلکه
 ملت هند نیز تصدیق نمی کند روزنامه مجلات ممبئی و کلکته از ضررهای
 کثیره که از این جنگ تجارت هند میرسد هر روز می نویسد
 کنیم که دولت انگلیس اعتنائی به تجارت با پایه و مایه اعتبار دارد
 ندارد عاقبت این دعوا چه خواهد بود دولت انگلیس آیا مقبول
 بدون قشون زیاد خود را در جامای بجاصل و بی آب ایران کم
 و از کوههای ایران بگذرد و آن کوهها که زیاد دارد که بقیل مستحفظ
 ممکن عبور نیست کسانی که بولایت ایران رفته و اطلاع دارند
 که این دعوا منافع است اگر قشون ایران را خوب متوجه شوند
 و خوب بگردانند اگر چه نظرش از قشون انگلیس کمتر است لکن
 ایران بطوری است که احتمال کثی میرود که شکست داده بخدایت
 انگلیسها پیشتر روند و گذشته این میبندد که رفتار دولت
 روستی درین حالت چه خواهد بود لکن آنچه در کاغذ جداگانه بر

شما انقاد داشتیم بروز خواهد کرد اگر دولت روسیه شریک
 در مصالحه شود دولت انگلیس قوه بسپاردن نخواهد داشت
 الی حال واقعه نوزده سال قبل این را فراموش کرده باشند
 که محمد شاه پدرو ناصرالدین از محاصره بهرت برکت کل اجا
 معشوش شد کابلی شورش کرد و یادیارید که این حمله
 بدولت انگلیس نفاذ پنجاه کور و عسکر اسی هزار نفر رسید تصور
 کنیم داخل ولایت ایران نشوند کفایت بگرفتن دشمن کی از
 بنا در دریای فارس را بکنند با وجود این چه خواهند کرد که
 میتوان بگوید که اولبای دولت ایران فتحی را که در بهرات کرده
 معذور نباشند و قشونی که سمت جنوب و ستاده و خارج
 از انطرف داشته و دشمنی که با انگلیس دارد حکم برفتن قند
 کند و انگلی قند ماری که از نظر سلوک انگلیس لغزب آید است
 و مدتی بیت که روی افغان و اعظم و بزرگان قند با نظر
 آید ناصرالدین را از اطاعت و خدمتگذاری خود خاطر جمع
 نمودند همان صاحب جزیره کیش بکرمایه مشکلات جدید
 شد چرا که دولت فرانسه حتی که در آنجا داشته حالاً بستیاری
 یکی از وزناجات خود مطالبه میکند لکن دولت فرانسه در
 حقوق در دریای فارس دولت واحدیت چند روز قبل
 شخصی معتبرین میگفت که دولت آلمانی نیز میتواند حتی جاری
 با وجود این حالات جنگ با دولت ایران را نباید قبول کرد
 فتح خان را که هشتن رفتن پاریس و شروع بدعوا کرد
 خوب بود این مرحله چنان وانمود کرد که ایچی کبیر انگلیس بجا
 شاقه نماید و اولی دولت ایران بر خود قرار داده اند که
 در مقابل دولت انگلیس استادی نماید پس این سفیر کبیر انگلیس
 بنایش باصلاح شد لکن در این بین تاریکی روی داد که یقین سفیر

کبیر انگلیس شنیده تعجیل در کار کرد و آن کاغذی بود که از وزیر
 امور خارجه فرانسه پنج روز قبل این رسید که بکلم امپراطور
 بود که تاخیر در حرکت فرخ خان چه چیز است چنانی آید بنا بر
 خواش صریح سفیر کبیر ایران با وجود بعضی امورات که با دولت
 عثمانیه داشت و هنوز انجام گرفته بود لایحه که از اسلامبول حرکت
 اگر درین میان کار بجائی انجامد بشما استخفا خواهد داد
 یکی از روزنامه های انگلیس موسوم بتساره میگوید که چند نفر از
 کسانی که با ارسال رسل و ریل دارند چند روز است که از ما
 سبب و باعث فحاصه انگلیس و ایران مستفسر شده اند و خود
 ما هم در حقیقت در سبب باعث در مانده ایم و قریب سه چهارم
 ما بست در تفحص مستیم و هر چه کرده ایم که شاید از کسانی که
 با ویلای دولت راه دارند درین باب چیزی نفهمیم نشود
 پیش ازین در روی کار است این سببی ندارد که اولتیکال
 که گاه گاه حرفهای خارج از اندازه در عظمت و بزرگی دولت
 خود میزند و خود پرستی است انگلیس را بچوش می آورد اگر چه بنیاد
 احترام را با و داریم لکن با راجل محسوب شده قابل اطلاع دادن
 کارهای دولتی نمیدانند پول و خونی که با اسم ما رنجده و خرج
 میشود بدینیم و این دعوای با ایران که هزار بیج و خم بهم خواهد
 رسانید همان حالت را دارد و هیچکس نمیتواند بگوید سبب باعث
 رفتن قشون انگلیس بدریای فارس چه چیز است از برای چه
 میدهند راست است که فرمانفرمای هند استهتا ز نامه داده
 و چاپ کرده اند و آن استهتا ز نامه بجای اینکه کار را بطور واضح
 و آشکار ببردیم بجهان رسانند ما بهم تر کرده است لکن درین خصوص
 آن که در پیش که ما مطلع شده ایم گوشه ذرا جیرهای خودمان کنیم
 که بهرات پای سخت کوچکی است که ساکنین شش از یکی از قلمروها

۲۰۷۷

انگلیس نیست شهر مذکور در قصد و پنجاه میل از طرف مشرق
 طهران واقع است و چهارصد و پنجاه میل در مغرب کابل است
 و نزدیکترین محل تجاری که اهالی و مکتسان با آنجا دارند هندوستان
 این ایالت قدیمه دست ایران بود و حالا هم بطور اطاعت در
 زیر حکم ایران است و چندین سال است که مابین پادشاه ایران و
 امرای کابل و قندمار زاعی روی داده است چهار سال قبل
 شیل صاحب انگلیس معقم طهران با آن دولتها عهدنامه در خصوص
 هر دو دست آن عهدنامه منتشر کردند و کمر کس اعتراض دارند
 لکن این عهد را چنانکه عادت مأمورین انگلیس است که حاجی
 و نزاع میکردند که استند که دولت ایران نباید بهرات
 قشون بفرستد مگر از کابل و قندمار بهرات بیاید و کابل
 و اخذ بهرات دخل و تصرف بکنند پیرایه محمد خان را محمد خان
 نامی که قندمار روزی که حکمرانی بهرات را بدست آورد بنای
 و تاز در سرحدات ایران گذاشت در آنوقت پادشاه ایران
 خواست که انتقام خون پیرایه محمد خان را بکشد و هم امر
 خود را مضبوط کند قشونی مأمور کرد و بارها سفرهای فرستاد و این
 اعلام کرد که ازین مأموریت قشون منظورش گرفتن بهرات
 مگر نظم سرحدات دولات بهرات که از قبیل سید محمد خان
 در اینصورت طرفداری دولت خودمان را در باره این اقلیت
 نمیدانیم از چه راه است که همین اقلیت آن اشخاص نیستند که چند
 سال قبل ما بولایت آنجا رفیقیم و خرابیها کردیم حالا باید با قشون
 حامی قانلی وحشی باشیم چرا که عهدنامه داریم المضاف به
 برای چنین علت ضعیفی میتوان با ایران دعوا کرد و لیکن در
 روزنامه های دولتی می بینیم که هشت هزار قشون مأمور دریا
 فارس است اول چیزی که در این ماده مقرر میرسد حاجی است که

باید ملت خودمان کنیم چرا باید چنین دولت وحشی و برتر
 نشده عهد میدهند در این حال مجال است که با اعلام نامه
 جنگ در دست توانیم مگر کنیم که دولت ایران انقض عهدی
 کرده باشند و اخذ بهرات از فرزند نامه است و با کابل
 اطلاع از اعمال این حشوها داشته باشیم تا بقدر از بد
 آنها مطلع هستیم با وجود اینها نخواهیم از برای آنها بر اثر
 حاصل کرده جانب داری نمایم مگر کس میداند که حق اعلام
 جنگ از برای دولتی بدترین حقوق است که بکار برود
 یک دولت باید در وقت تنگنا و سختی دست بچین حق
 و در حقیقت اعلام جنگ مثلین است ولایتی را بسوزاند
 و طاعون روی بدد شما خواهد گفت باید ولایت هندوستان
 از دست درازی روسها محافظت کنیم اما باید گفت که
 پولیک نیست معاف است اگر نخواهیم مابین هند و روسها
 که اینقدر می رسم حدی قرار بدیم آن عهد البته دولت ایران
 نخواهد بود یکی از بزرگان دولت انگلیس دو کالنتین سردار
 اعتقادش این بود که دو نیتین روس و انگلیس باید در حکام
 و استقامت و بزرگی دولت ایران بگویند و در دارالشورا
 گفت که دولت روسیه این مطلب را خوب بر خورده است لیکن
 اولیای دولت حاضره تصور این است که خرابی ایران با
 بزرگی انگلیس است در ماده این جنگ ناحق پرستی کنیم
 دولت انگلیس قسم میدهم که درین جنگ غیر حق و در حقیقت ضرر
 طرفین است شریک نباشند
 روزنامه های دیگر از فرنگستان نزدیک بهین معنی است که ترجمه
 شده است در هفتای آینده بجهت استحضار ماس نوشته خواهد
 شد

سایر ولایات

۲۰۷۸

آذربایجان

بر اولیای دولت علیه معلوم شد بود که قایم مقام یک نوع استغناء
 بر خود بسته لازمه قدر و قیمت را بر شغل منصب خود قرار میداد و از انکار
 و اغفال او در وظایف خود روز بروز عیب تازه در کار او در باجیان
 بطور میرسد چنانکه از شدت بی اعتنائی او در رسم عتبت داری با
 وجود غله زیاد و آذوقه آذربایجان و احکامی که سابقاً بعهده او بستم
 و همه طور در چاره گرفتاری نان و رفاه حال خلیق صادر شده بود و در
 سر روزان بدست خلیق بی آمده است و بای دولت علیه نوشته
 بلکه بضاع و علامت او راه کرم شغل و وظایف خود سازند و مصمم
 بودند که اگر فایده بخشه او را بد از انخلافه احضار نموده دیگر اگر کفایت
 رعیت پروری او استه باشد بجای او تعیین نمایند در این اثنا خبر رسید
 که از قحطی نان خلیق بعد از آمده با جماع بعضی و بچاره جونی بخانه
 رفقه اندک را ایله عوض اینکه بنویسد و بوجه داورسی آنها را امیدوار
 نماید و حرفهای طایم بزند بر شمش و خوشونت جواب داده و متحمل عرض
 و عجز ایشان گمان و ذکر کندی او هم از آنجا که اشخاص بدسلوک و بد
 بودند و عادت بد مردم آزاری داشتند چنین موقع هم همان عادت قدیم
 بکار بردند مردم از شدت کرسنگی و یأس از چاره و داورسی زبان
 بداد و فریاد می کشیدند و بعضی از جناب هم بنابر استهانه خانیه میرد
 تا اینکه از یکطرف جوابش برزاده نصره الدوله و از یکطرف علما حضور
 خلق را بچاره قحطی نان امیدوار حد متفرق میسازند قایم مقام هم این
 حرکت خلق را بهانه ساخته عازم دار انخلافه بودند است و از جناب اولیا
 دولت نیز چنانکه سابقاً بنیای احضار او در نظر بود باز هم احضار
 شد که بزودی به دار انخلافه بیاید این کیفیت دخی مردم به پرستش
 ندارد و در نظر مقصد بی سرو پای شریراعت این حرکت لغو و جور
 ریختن بخانه قایم مقام شده اند

در روزنامه دار سلطه تبریز نوشته اند که بعد از فرستادن
 اعلام و مجتهدین عظام سایر اعیان و امالی تبریز عرض و پرستش
 بجهاد فی سبیل الله که مضمون بعضی از آنها در روزنامه های که
 شد امالی انولات عموداً در مقام غیرت و حمیت اسلام بر آمده و او
 جانفشانی شده بر ترتیب قشون و تکمیل اسباب جنگی و هر روز
 از هر محل از محلات تبریز قریب بد و هزار نفر جوانان حزب و فکری
 چاکدست با اسلحه و اسباب جنگی مسلح آمدن میدانند و
 اعلام و مجتهدین عظام و فقهم الله تعالی همه روزها باریت حد رفقه
 تمام از خاص و عام میشود و اهل اسلام را بحمیت دین و دود و غیره
 ملک طقت و اقدام بدفاع و جهاد و ترغیب و تحریص نمایند و امالی
 طبعی نیز از راه تعصب دین مبین و خلوص عقیدت سجد مگذاری
 جان شاری در راه دولت ابدانین هر روزه فوج فوج و دست
 دسته چنانچه نوشته شده و او طلب ترتیب داده سان بنده
 و با افضل جمعیتی کامل در تبریز مستعد و مترصد و مستطر حکم و اجازت
 و امر و ارت از جناب اولیای دولت جاوید مدت است
 که بهر طرف از سر قدرت که فرمان قضا حریان لغاذا یا به مجاهد
 فی سبیل الله و متوکلاً علی الله شد بند در روزنامه تبریز
 ولایات آذربایجان مسووز چیزی نوشته اند ولی در آنجا با
 بعد از وصول فراین قضائین و نوشنجات علمای اعلام و
 فضلالی ذوی العز و الاحترام البته چون مقدمه شایع و در
 و از ایلات و عشایر و روستائی د شهری از دعاهم کرده
 داد و طلب انتخاب نموده و اسلحه و آلات حرب ترتیب
 بود که از راه حمیت دینداری و خلوص عقیدت و اراده
 جان شاری باین دولت جاوید مدت علیه بجان و مال
 مبارز شده نمایند

۲۰۷۹

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالامراء العظام سپهسالار حکمران کرمان مدارک سفر سعادت را دیده بود که با جمعی از خویندگان و اعیان ولایت روانه شود ولی چون در بار جهانمندان با یون در باب حرکت او بهر حکم نرسیده چند روز حرکت خود را در توقف انداخته علی الحساب بعد از هر جهت از شهر و بلوکات سوای توگرد یونانی معین کرده و تبت و مدارک آنها را می بیند که بزودی روانه نماید و آدم سعادت روانه کرده است که مترصد باشند خبری رسد اخبار نمایند که قشون حرکت کند و تنخواهی نیز بسایب قورخانه داده است که سرب و بار و ط انجام نمود فننگ و کلوله می سازد و در شهر و بلوکات نیز از قراریکه نوشته اند بجهت جنس داده و از هر چیزی کمال و قورخانه دارد

دارو

دیگر نوشته اند که چون آرد خان خانی نوکر این دولت جاوید مدت عدیه است و در این اوقات عریضه مشایخه سینی بر اظهار ادب و چاکری دولت قوی ملک امیرالامراء سپهسالار رسیده مراتب خدمتگذاری و صدق عقیدت او مستحسن فائده بود لهذا بجهت رایه کثرت جبهه زرمه تمام ریخته و یک قبضه شمشیر نام سباب طلا داده و بخوا اولیای دولت علیه امید داری نام داده و ستاد کار مشارالیه را هم خلعت داده مقتضی المرام بر اجتناب نمودند

قرهون

از قراریکه در روزنامه قرهون نوشته اند امور انولایت قرین کمال انتظام است و در عاباد و تجارت و کسب سوده خاطر

بدعا کونی ذات الله حسن بایون شاهنشاهی اشتغال دارند و مقرب انخافان حاجی حسنعلیخان پیشکار آنجا در نظم و آرا در فاه و اسود کی رعیت نهایت مراقبت را بعمل می آورد و زحمه درین سال از اول سال پیش سفیدان بر صنف است و بدی دیوانی آنها را مشخص کرده و قرار گذاشت است که از قارفت بدون مطالبه و مرخصت محصل واحد خدایه خود آورده تسلیم نمایند و پیش سفیدان اصناف نیز از همان قرار معمول داشته قسط قبضه تنخواه بدی خود را آورده کارساز می نمایند مسم چنین صاحبان املاک و اربابان و رعایای بلوکات اگر کسی خود اول سال آمده و بدی خود را مشخص کرده و تنگ سپرده موافق تنگ قسط قبضه آورده تسلیم می نماید و احتیاج بر فن محصل بدات و بلوکات نیست و عموم رعایا و کسبه و اصناف ازین حرسه کمال شکرانه و رضامند بر دارند و هم چنین دعات خالصه را در اول سال خود مقرب انخافان مشارالیه رفته رسیدگی کامل نموده و در اعمال هر یک از آنجا داده و مباشرین بجهت آنها معین نموده و مباشرین بر حسب آرد و قاری نمایند امور زبجان در سنواه سابق قدری انقباض درین سال مقرب انخافان مشارالیه خود با آنجا رفته نظم کار آنجا داده و مباشری از اهل ولایت تعیین نموده و جوی تجمیع ساعده داده است که نفع آنجا را جمع آوری نموده مشغول کردن سنگ راج باشد و کار آنجا امید است که خوب بیفت داشته باشد و در باب انضاط شهر و محلات اهتمام زیاده بعمل آمده و عایجاد و نائب خان میراث شهبارا با دولت نگر کرده است شهر مشغول و سرقت و شرارت بهیچوجه اتفاق نمی افتد و طرق و شوارع نیز فقط است

۲۰۸۰

اخبار اول خاجه

بجهت هم حدود بودن دولتی روس و چین بیکدیگر چند وقت پیش ازین برای تاکید مبنای مودت سفیری مخصوص از دولت روس بچین فرستاده شد و در او را بچین در روزهای سابق نوشته بودند موجب اخباری که در این اوقات رسیده بواسطه سفیر مزبور معاهده تجاری مابین روسین چین و روسیه بسته شده و در محلی از سواحل شوران که متعلق بچین است بعد سه هزار پانصد ذرع زمین بدولت روس واگذار شده و دولت روس قلعه در آنجا بنا کرده است و بچین محافظت این قلعه آنچه مستحق لازم باشد وزارت که از شوران چین گذاشته شده و از دولت روس سفر قونسل در آنجا مقیم باشند

چون حکمرانان عالم بجهت تاکید مبنای دوستی و محبت بیکدیگر فرستادن نشان دولت خود را برای هم دیگر از اصول قدیم می دانند لهذا در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانسه نشان لژیون نام از مرتبه اول دولت خود را بجهت اعلیحضرت پادشاه پروسیه مصحوب سفیری مخصوص روانه نموده و سفیر مزبور در اواسط شهر ریخ انانی به برلین پای تخت پروسیه رسیده و پادشاه پروسیه بجهت نشان مزبور اجزای شلیک کردن نشان مزبور را او نیزه بیکر خود نموده است

دیگر نوشته اند که جناب موسیوفول وکیل خرج اعلیحضرت امپراطور فرانسه بجات امپراطور شارالیه تقریر رسمی نموده که درین سال بذل و انعام امپراطور بعضی مراد و احوال بفرموده لبش لیان و نیم که سیزده که در حساب پول ایران باشد درین صورت بماند که مخصوص امپراطور است خلل برسد و مختار

مشکل خواهد بود اعلیحضرت امپراطور نیز قول در اصدیق نموده است و در بعضی روزها نوشته اند که این تقریر شارالیه بامپراطور ماطلاع و صواب دید و کینالیات بوده است دیگر نوشته اند اگر گمانی که سبب اختلاف ناپولی شده بودند بعضی را با برخی از وکلا اوقات پادشاه ناپولی گرفته و نفی و اصرار کرده بود در باب عفو و اطلاق آنها از جانب دولتین فرانسسه و روس بکرات توسط شده و پادشاه ناپولی توسط آنها قبول کرده بود حتی باین جهت دولتین هر دو قطع می براه نموده ایلیچیان خود را از ناپولی برده و درین اوقات پادشاه ناپولی بزی خود شش بدون توسط دیگری جرم هم این مقصرین را عفو کرده و مذکور داشته است که اگر گمان عرض حال خود را کرده و بدول دیگر التجانیسیر و دیده را اوقات

می بخشیدم

دیگر نوشته اند که دولت اسپانیول بجهت اختلافی که سابقا در ولایت روی داده بود محتاج بقرض شده است با سیطو که چهل و دو را اصدیق قبول کرده و چهل و دو را چهار نفع بکردن گرفته از صرافان اسپانیول و سایر فرنگستان بقرض کرده و فرض کرده است و از این حساب کرده اند که از دو و کرد که مقروض شده است همه چته پنج گرو در داخل خزانه او

کر دیده است

انالی پاریس گوشت انواع حیوانات را میخورد تا گنون گوشت اسپ میخوردند در این اوقات طبای آنجا اعلام کرده اند که خوردن گوشت اسب هیچ مضرتی بوجود نماند و لذت دارد بجهت تجویز طببا و کاهنهای قصبابی متحد بجهت فروختن گوشت اسب در پاریس کشوده شده است

۲۰۸۱

ایالت نوشتن که آنان در تحت حکومت جمهوری اسپوچره است
 در مصاحبه عمومی بقدر مکتان تحت حمایت دولت پروتیه
 در آمده بود بعد از چندی بجهت اختلافی که در ایالت مزبور اتفاق
 افتاد آنجا بجز حکومت جمهوری اسپوچره انضمام یافت از قوت
 تا حال ایالتی ایجاد و فرقه شده اند فرقه طرفدار جمهوری مزبور
 و فرقه طرفدار دولت پروتیه و مابین این دو فرقه در گذشته
 برودت و عداوت شدید و یافتند در دو سه سال قبل این طرفداران
 دولت پروتیه اتفاق و شورش کرده شبانه بباب حکومت
 نوشتن هجوم آورده قایم مقام آن ایالت را با سایرین گرفته
 محبوس و بتحت خود را بدولت پروتیه اعلام کردند این کار
 بجمهوریه مزبور رسیده مقدار کافی قشون نوشتن و ساندند و
 قشون با طرفداران جمهوری که در آنجا بودند اتفاق کرده و با
 پروتیه جنگ در پیوسته خیلی آدم از طرفین کشته شد آخر طرف
 جمهوری غالب آمد طرفداران پروتیه را بتحت خود در آورده
 و بعضی از آنها را کشت. شورش شد که قشون پروتیه
 دادند که با عینکری این اشخاص بجز یک دولت پروتیه بوده است
 پادشاه پروتیه باند کرده است جمهوری مزبور بی اطلاع خود را
 کرده بود که درین مقدمه دولت پروتیه اسلام خلیف مدینه است
 جمهوری تصدیق این قول را کرده و بعضی کنگوهای مغایرت نیز
 بدولت پروتیه نموده بودند پادشاه پروتیه در باب استخلاص
 محبوسین مرقوم مذکره بجمهوریه فرود بود جمهوری قبول کردند و
 پروتیه درین باب با ثوری مخصوص بفرستاده و از جانب
 فرانسیس کاتب جمهوری مزبور من غیر رسم بعضی تبلیغات قبول
 بودند و محبوسین را از آن محل که بودند باصل مقر حکومت برده
 اجرائی سیاست آنها را اظهار کردند دولت نخلتس اظهار آنها را

۲۰۸۷

تصدیق نموده و دولت فرانسه در روس و سایر بی طرفی خود
 اظهار کردند پادشاه پروتیه استخلاص محبوسین را بجز لازم کرده
 اعلان حرب نموده و جمهوری مزبور نیز با ایالات خود اخبار کرده
 کس بقدر حکومت جمهوری جمع شده است
 و نیز نوشته اند که پادشاه پروتیه از عساکر در یغیاز پیاده و
 و توپچی در ششم جادی الاول صدوسی و چهار کس با اسلحه و
 حرب حاضر کرده و آن دیده بود
 جمهوری اسپوچره نیز مجلسی در شهر برین منعقد کرده علی الحساب
 قشون ترتیب داده اند و ده هزار کس هم اردوی اعیان در
 آنها قرار داده اند و از ایالات جمهوری ایالت وود نام هم
 فوج قشون لغت کرده اند که حاضر نمایند ازین فقرات رایج
 جنگی بزرگ مابین دولت پروتیه و جمهوری اسپوچره استقامت میشود
 در این اوقات وقوع بیاید
 از قشون اسپوچره بموافقت جمهوری ایجاد و از ده هزار کس در
 دولت ناپولی و چهار هزار کس در سلک قشون حکومت ناپولی
 روم در آمده بودند باین شرط که هر وقت بجمهوریه مزبور لازم
 بشود و آنها را بخواهند با اسپوچره معاودت نمایند در این اوقات
 که با دولت پروتیه بنای جنگ دارند فقط دوازده هزار کس را
 که در دولت ناپولی دارند طلب دهند و از دولتی از دولت ناپولی
 جوابی نیامده است
 ایالتی دولت فرانسه که بملک استامبول رسیده است از فرانسه
 عنده مشتمل بر نیت و چهار مطلب است هم در باب تجارت هم
 در باب آزادی دین و مذنب و هم در باب استیحاان و طالبان
 علم که از طرفین بولایات یکدیگر آمد و رفت بنماید محبت
 بکنند

روزنامه قایم القایم تبایح یوم شنبه غره شهر جب المرتبط با سال لوی سیل ۱۲۷۳

منطبه دار الخلاقه طهران

نرسید و بفرده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

سرپرست

پرنسده



اخبار و احداثه مالک محروسه پادشاهی

دار الخلاقه طهران

در حق او حلت رحمت بگردید

چون ثواب مستطاب بزرده والا تبار خما و الاوله حکم
کرامت مان سواره اوقات خاطر اقدس هما یون
خدا الله ملکه و سلطانه اولیای دولت علیه را از حسن
در عیت داری و مراقبت در انجام خدمات دیوانی از خود
راضی خوشنود داشته بود در این اوقات که والد
مغرزی الیه بر حمت ایزدی پوسته محض ظهور رحمت
و تسلیم خاطر ثواب مغرزی الیه کیسوب کلچو از ملبوس بن
در حق او رحمت و انفا فرمودند

عالیجاه میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی که تربیت یافته
در بار کردون مناصب در فن تصویر کشی بی عدیل نظیر
در صفحی تگنگان تحصیل نموده و صنعت شبیه کشی را که در ایران
سابقا خندان معمول بود و ان کامل در از عهد بر نیامده
بسر حد کمال ساید و وجد عصر خود گردید و خدماتش همی مقبول
خاکبای اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی افتاده و مورد شمول
مرحوم شاهانه گردیده از جمله در تصویر تمثال پیمبال حضرت پیر
کل در می سبیل سد الغالب امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام
و اسلام کمال مبارک و ای کار برده بود موجب امتیاز
علیه خسر و انه گردید موازی یک عدد و جبهه های رنگ نقاشی طلا که در
کل الماس شیره و خوشید و در و بسیارین و کران بهای
میزد مفاخرت و امید واری او رحمت و عنایت فرمودند

نظر بطور جسم ملوکانه در باره مقرب الخاقان عین الملک
در این اوقات یکسوب خرقه ابره ترمه لپاز پوست از پوست
خاص بن مبارک با و رحمت فرمودند
نظر بمراتب صداقت و راستگویی عالیجاه میرزا محمد تقی شرف
دار النظاره مبارک در این اوقات اولیای دولت علیه از خوار
فرمان مهر لعلان مبارک او را بنیابت نظارتخانه مبارک
و از جانب سنی لچوا سب ملوکانه یکسوب جبه ترمه کرمانی

چون عالیجاه میرزا فرج الله اجدان سلطان تپسجانه مبارک
سال خدمات اجدانی مشغول بود و خوب از عهد خدمت

۲۰۸۳

مرجع برآمد و می سن صداقت و خدمتگذاری خود را در
 منصب موجود آن سبطانی جعل آورد لکن بموجب حکم نظامی حساب
 اقدس شاهان پون شاهنشاهی منصب یادری و لقب عالیجایی
 سرافراز گردید

سایر ولایات

فارس از فرار یک در روز نامه فارس نوشته شد
 در این اوقات در خود شیراز و در سایر بلوکات فارس
 همه جا باریزگی کامل شده و از فضیلات الهی و برزول رحمت
 لایتنای شویبی که مردم از احتمال خشکسالی داشتند
 رفع گردیده بکمال امیدواری برای صاحبان املاک و
 اهل زراعت حاصل گردید و نزع غله واجب است که بجهت
 عدم باریزگی بجهت بیهم رسانده بود لکن باز وقوع این
 تزلزل کلی بهم رسانده و انواع مگولات از هر چیزی بجهت
 نهایت دفرزاد دارد

دیگر نوشته اند که امیر الامار العظام میرزا محمد خان پشی
 در بار طالبین با کرمشوره از سواره و پیاده و توپخانه
 و اردو شیراز گردیده اردوئی در کمال نظم و آراستگی
 و کسی از احاد و افراد سواره پیاده ابو ایجبی قدرت کت
 خلاف نسبت عتبت غیره نداده و از فراری که معلوم
 در منازل عرض راه هم بهین نظم گذشته اند و کما
 امالی سازنی از عبور این قشون کمال رضامندی داشته
 و وزدی در اردوی مزبور بسیار کم اتفاق می افتد و اگر
 سرفتی اتفاق بیفتد بسم نام معلوم نماید چنانکه در یک کجای
 از شخصی سرتقت شده بود بعضی از آنها را آن امیر الامار العظام
 معزنی الیه فرستاد و چند نفر سرگردگان ناخلی را آورد

و بمقام مواخذه و تهدید در آورد معلوم شد که یکی از
 سواره ناخلی سرتقت کرده بود لکن با گرفته لبا جیش نسیم
 و سارق تبیه و تا اذیب و در چند روزه توپخانه
 بکارای قورخانه و توپخانه رسیدگی کامل نموده و لایتنای
 در انعام و انجام سبب حرب از خشک و کلون توت
 و سرب و بارطی و سایر آلات و ادوات که بجهت
 لازم است کرده در تدارک حرکت بوده است و
 محمد ابراهیم خان سرب افواج نده اصعبان سم با
 افواج مزبوره و استعداد در دوازدهم جمادی
 و اردو شیراز گردید و روز بروز لشکر فیروزی از
 امطار بیکدیگر پیوسته چون سیل بی مان که بدیای بیک
 پیوند و از اطراف داخل اردوی ظفر شکو پیشه امالی
 شیراز هم از احوالی و ادواتی بگردید ببار بار بسته و با
 و از دحام کام نیز و امیر الامار العظام پشی آمده و مستعدی
 بودند که مسرا عساکر نصرت ماثر بقابل و مقادیر خصم
 معزنی ایبه آنها را مانع آمده مذکور داشته بود که اخلص
 و نصب و عتبت عمومی باین دولت پدید معلوم است و
 بعد از آنکه لشکر فیروزی اثر دست و پنجه بادشندان دولت
 نرم و حکایت سینه و آویز اکرم و شادت و جلالت سپاه ایران
 معلوم امالی مالک محروم گشت از وقت عمده مسلمین اگر بجا
 دشمنان دین مبارزت نمایند حرکتشان از روی
 و تهورشان در خصم مکنی و دشمن شکنی بیشتر خواهد بود و چون
 خاطر احوال طالبین شاهنشاهی آسودگی رعایا و بریایات تا دام
 که در دولت قوی شوکت جنگ خصم را آماده اند رعایا و
 مملکت را بخت جنگ نخواهند داشت

۲۰۸۴

قسم
 از قرار یک در روز نامه قسم نوشته اند امور اولایست
 توجهات اولیای دولت علیه و حسن مراقبت محرابان
 ذوالفقار خان حاکم قسم و ساوه قرین اعلیٰ و انتظام است
 و نهایت اهتمام و دقت و رسیدگی بعضی دادها را از
 مشارالیه یعنی آید و امالی آنجا سوده خاطر مدعا کونی
 اقدس ایلیون پشاهی شتغال دارند مدتی بارندگی می شد
 و امالی ولایت شوش خشک سالی داد و اواسط حله
 که یک چهارشنبه روز برف و باران منوالی زیاد
 و کمال امید واری بجهت مردم در خصوص محصول حاصل
 ولی در آن چند روز بجهت کثرت بارندگی و شدت سرما که
 عبور شده و بار بفرنی آمد غلظت بجهت ترقی کرده قیمت نان
 یکین نیم شاهی بجهت عرض خبازان بعد از آنکه مقرب الخاقان
 فرستاده ریح آنها را گرفته افزوده شد و امیدوار
 هوایم شدت برودت بر طرف شود بجهت این بارندگی
 ریا که شد و غله داران بکمال آینه خاطر حسینی
 افتد غله بشهری و رند که از هزار اول قسم ارز تر بود
 چون مرحوم میرزا محمد رضای توتلی باشی بقعه فخر که مخصوص
 علیها آلاف التحية و التهنيت و فاتی یا بود در این اوقات
 دولت علیه بموجب فرمان مهربان مبارک عالیجناب سیادت
 انساب میرزا حسین پسر اورا بجای پدرش منصب توتلی
 بقعه فخر که سر از و از جانب شیخ ابوالحسن ایلیون
 ما و مرتب شد تا آنجا که پرو و وصول افکنده بود عیاب
 جمیع خدام ذوی الاحرام بجهت منوره مساوات و اسراف با

شایسته لوازم توقیر و احترام جلالت ایلیون و فرمان مبارک را
 بعل آورده و در استاز مطهره نطق خورشید طلعت را زین
 مسابات خود نموده مضمون فرمان جهان مطاع را گوشه خاص
 کرده بعد از صرف شربت شیرینی مجلس تهنیت مدعا کونی
 اقدس ایلیون شایسته ای خلد الله ملک سلطانه خستام یافت
 دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع قسم و در
 مقرب الخاقان ذوالفقار خان در نهایت انتظام و
 مستحفظ و اسوران در راهها و منازل اطراف می
 گردش و بخت و طراست مشغول میباشند عابرین و تردد
 با کمال آسودگی و خاطر حسینی عبور و مرور بر آنها بنده بطوریکه
 اوقات صرفت میجوید در راهها اتفاق می افتد و مردم
 جهت زیاده شاکر دعا گو میباشند و نیز قدغن شده
 که در منازل و رباطها که از آبادی دورند آذوقه و مالک
 بخری تفاوتی که در شهر و آبادیها معمول نیست عابرین
 بفرستند و اگر چیزی بقیمت کزاق بجا ندهند و نیز در
 باشند مورد ملاحظه و ترکان باشند
 دیگر نوشته اند که شخصی داتی بیخودمان و دو هزار دینار
 در کبیده داشته و در میان بازار از او کم شده بود
 نه بود یکی از نوکرهای مقرب الخاقان ذوالفقار خان
 کرده بود و نیز در مشارالیه آورده همان نوکر گفت در
 بازار را گردش کرده و جار بکش تا صاحب پول پیدا
 نشانی پول و کبیده خود را داده و بیاف کند صاحب پول
 ازین جا خبردار گشته آمد کبیده و پول خود را
 بدون کسر نقصان دریافت نمود

۲۰۸۵